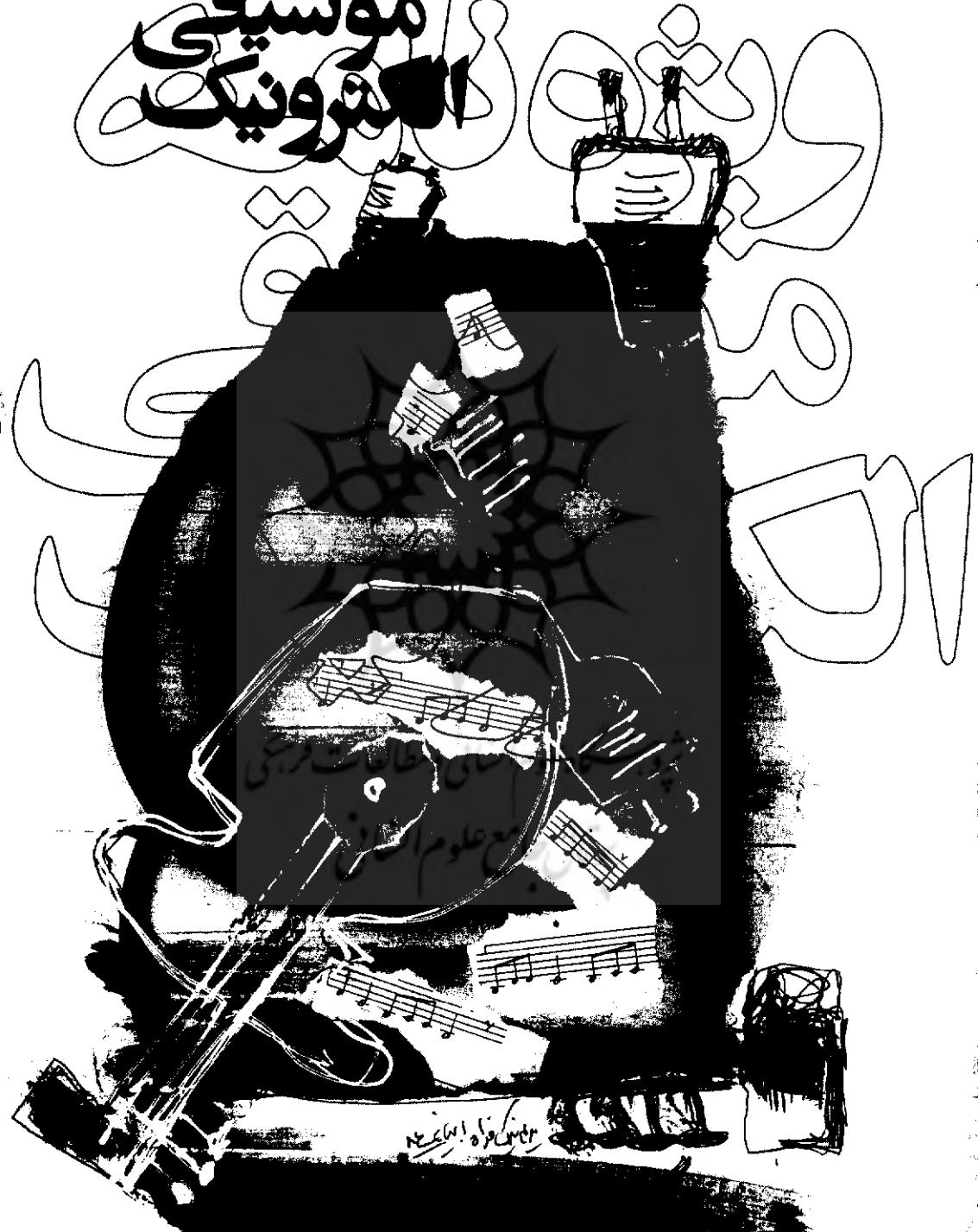


ویژه‌نامه موسیقی

العنوانیک



مطابع موسیقی ایران

سال شمار سازهای الکترونیک

۱۹۴۸	امريكا / استراليا	فرميوزيك ماشين	برسي گريندگر	برنت کواس
۱۹۵۰	المان	الكترونيوم پاي	رنه سي بالد	ارگ بلي كورد
۱۹۵۰	امريكا	هارلد بود		
۱۹۵۱	امريكا	جعبه موسيقى الکترونيکي	دكتارل كيت	دكتارل كيت
۱۹۵۲	امريكا	كلاديو فوكس	ريموند اسكات	سينتي سايزر آرسى
۱۹۵۲	امريكا	هري اولسن	هري اولسن	هيربرت باليز
۱۹۵۳	كندا	كامبيز ترون	اوسموند كندال	
۱۹۵۷	امريكا	ترمافار ميموزيك	ماكس ماتوز	سينتي سايزر زيمنس
۱۹۵۹	انگلستان	اورليس	دافنه اورام	جي كلain
۱۹۵۹	المان	سيستي سايزر زيمنس	جي كلain	جي كلain
۱۹۵۹	امريكا	سايدمن	ولتزر	
۱۹۶۰	ایطاليا	ميلان الکترونيک	مدیر لوجيلوبيريو	ميوزيکاستوديو
۱۹۶۳	امريكا	سينتي سايزر موي	رايت موي	مل لوتوتون
۱۹۶۳	انگلستان	سل بولادي	چيرلين	سينتي سايزرهای بوجلا
۱۹۶۴	امريكا	دونالد بوجلا		
۱۹۶۴	ذابن	دونكا - ماتي	DA-20	سين كت
۱۹۶۴	انگلستان	پل كوف		سينتي سايزرهای تونوس اارب
۱۹۶۴	امريكا	فيليپ دلدر		شركت پاپا الکترونيک
۱۹۶۷	امريكا	جان بايسيمونون	ديفيد كاك رل	ترمافار مويز
۱۹۶۸	انگلستان	جي بيترز گرو گو	جي بيترز گرو گو	سينتي سايزرهای امس پيترز گرو گيف
۱۹۶۹	انگلستان	جي بيترز گرو گاك رل		جي بيترز گرو گاك رل
۱۹۷۰	امريكا	گروسيستم	ماكس ماتوز	ابتي گان
۱۹۷۰	امريكا	شركت ملت تل		شركت ملت
۱۹۷۰	امريكا	ريموندلسلكت	الكترونيوم - اسكات	سينتي سايزرهای كن بريو
۱۹۷۱	امريكا	ريموندلسلكت		سينتي سايزرهای رولند
۱۹۷۲	ذابن	شركت رولند		سينتي سايزرهای مابلین
۱۹۷۳	استراليا / امريكا	سين كالاوه	شركت نيويانكليندجيتال	سينتي سايزرهای كورك
۱۹۷۵	امريكا			سازهای بادي لو
۱۹۷۵	ذابن			تايل اشتاينر
۱۹۷۸	انگلستان	كريبيس هوگ كت		اي هدي بي وسپ
۱۹۷۸	ذابن	شركت ياماها		سينتي سايزرهای ياماها
۱۹۷۸	المان	فونگك بالي		سينتي سايزرهای يي جي
۱۹۷۸	امريكا	توماس ابراهام		سينتي سايزرهای ابراهام
۱۹۷۹	استراليا	سينتي سايزرهای سرر		فيرايلات سى امأى
۱۹۸۰	سيم موزن انگلستان	سيم موزن	كم رديرك	پيترو گل
۱۹۸۱	ذابن	سيم موزن		
۱۹۸۱	امريكا	دويدمک لى		
۱۹۸۱	ذابن	سيم موزن	شركت سازهای موسيقى کلواتي	سيم موزن
۱۹۸۱	امريكا	اميوليتور		اوسيستمز
۱۹۸۱	المان	والدورف		
۱۹۸۲	انگلستان	سيم موزن شركت آكسفورد	كريسب هوگ كت	سيم موزن شركت آكسفورد
۱۹۸۴	ذابن	سازهای موسيقى اكتافى	شركت اكتافى	سيم موزن شركت اكتافى
۱۹۸۵	امريكا	سيم موزن	سيم موزن	سيم موزن
۱۹۸۵	المان	نرمافزار اشتاينر	لشتاين برگ	سيم موزن
۱۹۸۵	أمريكا / اكتافه	سيم موزن	سيم موزن	سيم موزن
۱۹۸۵	امريكا	كورزوبل		
۱۹۸۵	المان	منارهای متوازي		
۱۹۸۵	امريكا	ريموند كورزوبل		شيكت بار
۱۹۸۴	امريكا	شركت السيس		

۱۹۷۶	امريكا	الباشكري	وليلام دادل
۱۹۷۹	انگلستان	تاددوش كاهيل	تل هارمونيوم
۱۹۸۰	امريكا	مولين سورى	كورال سل لو
۱۹۸۰	إيطاليا	لوبيجيوس سولو	ابن توبلوموري
۱۹۸۰	امريكا	لى دي فارست	بيانوي اوديون
۱۹۸۰	روسية	ولاديميروس سين	بيانوي اوتوفوني
۱۹۸۰	روسية	لشون ترمن	ترمين
۱۹۸۱	المان	بورگ ميك	اسفارفون
۱۹۸۱	المان	هوگو گرنزيك	استاكا كانون
۱۹۸۱	المان	هوگو گرنزيك	پيانوارد
۱۹۸۱	المان	رين بربان	دانيلفون
۱۹۸۱	فرانس	هيبر تولون	سل اوفون
۱۹۸۱	فرانس	لزيولت	كلدوه اتميه
۱۹۸۱	فرانس	موريس مارتو	اوتس مارتو
۱۹۸۱	فرانس	لزيولت	پيلو-راديو الکترونيك
۱۹۸۱	روسية	لزيولت	زبول
۱۹۸۱	المان	نيكلاي اوبوخوف	سونوروس كراس
۱۹۸۱	المان	ب. هيلبرگ	هل ارتيون
۱۹۸۲	المان	دكت فريديش ترتوون	تراتونيوم
۱۹۸۲	المان	چيجيكادر	اونديوم بيكادر
۱۹۸۲	امريكا	هنرى كلول	ريتمني كون
۱۹۸۲	المان	لشون ترمن	سل اوي ترمين
۱۹۸۲	روسية	آرسى هيجاك	ارگ وستينكلاوس
۱۹۸۲	روسية	اندرهنى ولدون	سوبل
۱۹۸۲	روسية	ك. كوالاسكي	زيراتور سلاكى
۱۹۸۲	روسية	الستي	اکوپن
۱۹۸۲	روسية	ابوزى شول بو	واريوفون
۱۹۸۲	روسية	الاونف	ميرتون
۱۹۸۲	روسية	ان كون	امي كون
۱۹۸۲	امريكا	رجاردن اچ رانجر	ارگ رانجرتون
۱۹۸۲	فرانس	آرمانت ژولت	ارگ اوندس
۱۹۸۲	امريكا	آيارى ميف	ارگ سين ترونيک
۱۹۸۲	امريكا	الستي	ارگ بلي تون
۱۹۸۲	امريكا	لورنزا هاموند	ارگ هام موند
۱۹۸۲	امريكا	الكترو كورد	سونونتك
۱۹۸۲	المان	ال لاولى	هلي فون
۱۹۸۲	المان	برونو هيلبرگ	اسكاروي بيرلينك
۱۹۸۲	المان	هيجل	تروس تونوروك
۱۹۸۲	المان	هيجل	ارگ وات لختتن
۱۹۸۲	المان	افسلام ميس	كي بورد خواندن
۱۹۸۲	المان	هارالد بود	ارگ والوفورمنلت
۱۹۸۲	روسية	بورگ ميك	كاليدوفون
۱۹۸۲	روسية	ال هاموند & سى ان ويلمز	نوکارد
۱۹۸۳	روسية	هومر دالى	ور و كونبر
۱۹۸۳	انگلستان	كمپاني يوني فوكس	يوني فوكس
۱۹۸۳	المان	هارالد بود	مالتي مونيكا
۱۹۸۳	روسية	بنيانوفون	بنيانوفون
۱۹۸۳	روسية	لندنوليان	سولوفوكس
۱۹۸۳	روسية	كمپاني ارگ هاموند	الكترونيک ساکيلت
۱۹۸۳	روسية	هيلوي كين	ناتني فوكس
۱۹۸۳	روسية	هارالد بود	هارتات الکترونيک كارسترا
۱۹۸۴	روسية	جي هارت	ارگ مين شيل
۱۹۸۴	روسية	جي هارت	ام. كنستانس مارتين
۱۹۸۴	روسية	هارالد بود	كلايدوليان
۱۹۸۴	روسية	دكت فريديش ترتوون	مونوكورد

- مفاتیح موسیقی ایران
- شاخه های موسیقی ایران
- 1. Hugo Reinhardt
 - 2. Elisha Grey
 - 3. William Duddel
 - 4. Telharmonium
 - 5. Thaddeus Cahill
 - 6. Choralcello
 - 7. Melvin Severy
 - 8. Intonarumori
 - 9. Luigi Russolo
 - 10. Audion Piano
 - 11. Lee De Forest
 - 12. Optophonie Piano
 - 13. Vladimir Rossine
 - 14. Theremin
 - 15. Leon Termen
 - 16. Spharaphon
 - 17. Jorg Mager
 - 18. Staccatone
 - 19. Hugo Gernsbak
 - 20. Pianorad
 - 21. Dynaphone
 - 22. Ren?? Bertrand
 - 23. Celluphone
 - 24. Pierre Toulon
 - 25. Krugg Bass
 - 26. The Clavier à Lampes
 - 27. A. Givelet
 - 28. E.Coupleaux
 - 29. The Ondes - Martenot
 - 30. Maurice Martenot
 - 31. Sonorous Cross
 - 32. Nikolay Obukhov
 - 33. Hellertion
 - 34. B.Helberger
 - 35. P.Lertes
 - 36. The Trautonium
 - 37. Dr. Freidrich Trautwein
 - 38. Ondium Pchadre
 - 39. H. Péchadre
 - 40. Rhytmicon
 - 41. Henry Cowell
 - 42. The Theremin Cello
 - 43. Westinghouse Organ
 - 44. R.C.Hitchcock
 - 45. The Sonar
 - 46. N.Ananyev
 - 47. Saraga - Generator
 - 48. Wolja Saraga
 - 49. The "Ekodin"
 - 50. Andrei Volodin
 - 51. K.Kovalski
 - 52. Trillion Tone Organ
 - 53. A.Lesti
 - 54. F.Sammis
 - 55. The Variophone
 - 56. Yevgeny Sholpo
 - 57. Emriton
 - 58. A.Ivanov
 - 59. A.Rimsky Korsakov
 - 60. Emicon
 - 61. N.Langer
 - 62. Rangertone Organ
 - 63. Richard H.Ranger
 - 64. L'Orgue des Ondes
 - 65. Syntronic Organ
 - 66. I.Eremeeff
 - 67. L.Stokowski
 - 68. The Polytone Organ
 - 69. The Hammond Organ
 - 70. Laurens Hammond
 - 71. Electrochord
 - 72. Sonothéque
 - 73. L.Lavalée
 - 74. The Heliophon
 - 75. Bruno Hellberger
 - 76. The Grösstonorgel
 - 77. Oskar Vierling
 - 78. The Welte Licht Ton - Orgel
 - 79. E.Welte
 - 80. The Singing Keyboard
 - 81. Warbo Formant Organ
 - 82. Harald Bode
 - 83. C.Warnke
 - 84. The Kaleidophon
 - 85. Novachord
 - 86. C.N.Williams
 - 87. The Voder & Vocoder
 - 88. Homer Dudley
 - 89. The Univox
 - 90. Univox Co.
 - 91. The Multimonica
 - 92. The Pianophon
 - 93. The Ondioline
 - 94. Georges Jenny
 - 95. The Solovox
 - 96. The Electronic Sackbut
 - 97. Hugh Le Caine
 - 98. The Tuttivox
 - 99. Hanert Electric Orchestra
 - 100. Minshall Organ
 - 101. Clavioline
 - 102. M.Constant Martin
 - 103. The Melochord
 - 104. The Monochord
 - 105. The Free Music Machine
 - 106. Percy Grainger
 - 107. Burnett Cross
 - 108. The Electronium Pi
 - 109. René Seybold
 - 110. The Polychord Organ
 - 111. Dr.Kent's Electronic Music Box
 - 112. Dr.Earle Kent
 - 113. The Clavivox
 - 114. Raymond Scott
 - 115. The RCA Synthesiser
 - 116. Harry Olsen
 - 117. Hebert Belare
 - 118. The Composertron
 - 119. Osmond Kendall
 - 120. Music I-V Software
 - 121. Max Mathews
 - 122. Oramies
 - 123. Daphne Oram
 - 124. The Siemens Synthesiser
 - 125. H.Klein
 - 126. W.Schaaf
 - 127. Side Man
 - 128. Wurlitzer
 - 129. Milan Electronic Music Studio
 - 130. Luciano Berio
 - 131. Moog Synthesisers
 - 132. The Mellotron & Chamberlin
 - 133. Leslie Bradley
 - 134. Buchla Synthesisers
 - 135. Donald Buchla
 - 136. The Donca - Matie DA-20
 - 137. Keio
 - 138. The Synket
 - 139. Paul Ketoff
 - 140. Tonus / ARP Synthesisers
 - 141. Philip Dodds
 - 142. PAIA Electronic, Inc
 - 143. John Paia Simonton
 - 144. MUSYS Software
 - 145. David Cockrell
 - 146. Peter Grogno
 - 147. EMS Synthesisers
 - 148. Peter Zinovieff
 - 149. GROOVE System
 - 150. The Optigan
 - 151. Mattel Inc
 - 152. The Electronium - Scott
 - 153. Raymond Scott
 - 154. Con Brio Synthesisers
 - 155. Roland Synthesisers
 - 156. Maplin Synthesisers
 - 157. Trevor G.Marshall
 - 158. The Synclavier
 - 159. New England Digital Corporation
 - 160. Korg Synthesisers
 - 161. EVI Wind Instrument
 - 162. Nyle Steiner
 - 163. EDP Wasp
 - 164. Chris Hugget
 - 165. Yamaha Synthesisers
 - 166. PPG Synthesisers
 - 167. Wolfgang Palm
 - 168. Oberheim Synthesisers
 - 169. Thomas Oberheim
 - 170. Serge Synthesisers
 - 171. The Fairlight CMI
 - 172. Peter Vogel
 - 173. Kim Ryric
 - 174. Simmons Drum Synthesisers
 - 175. Casio Synthesisers
 - 176. The Mc Leyvier
 - 177. David Mc Ley
 - 178. Kawai Synthesisers
 - 179. The Emulator
 - 180. Emu Systems
 - 181. Waldorf
 - 182. Oxford Synthesiser Company
 - 183. Akai Musical Instruments
 - 184. Ensoniq
 - 185. Steinberg Software
 - 186. GEM Synthesisers
 - 187. Crumar Synthesisers
 - 188. Kurzweil
 - 189. Alesis Corporation
 - 190. Keith Barr

نارخچه‌بازی

سازهای الکترونیک

گیرد، او ناچار بود سینتی‌سایزرهای بیشتری بخرد یا بخششایی را روی نوار ضبط کند. جمع و جور کردن این سازها و استفاده و نگهداری از آنها دشوار بود، ولی امکاناتی را در اختیار نوازنده و آهنگساز قرار می‌داد که به هیچ شکل دیگری ممکن نبود. صدای‌ای که توسط این سازها ایجاد می‌شدند، جدید و باطرافت بودند.

تا مدت‌ها، سینتی‌سایزرهای مونوفونیک (تک نُت) موگ^۱ و ARP مورد استفاده قرار می‌گرفتند. گروههایی چون ELP^۲ و جنسیس^۳ با این سازها می‌نواختند. در اواسط سالهای هفتاد، کمپانی ابرهایم^۴ اولین سینتی‌سایزر پلی‌فونیک خود را که در یک لحظه می‌توانست چند نت را بنوازد، به بازار عرضه کرد. در مقایسه با سینتی‌سایزرهایی که بعداً ساخته شدند، نواختن آن ساده بود و نوازنده می‌توانست با آن در یک لحظه چهار نت را بنوازد. دکمه‌ها و سویچهای آن ساده بودند و می‌شد با سرعت، صدای‌ای غنی و عجیبی را با این ساز تولید کرد. این ساز قابل حمل و اجرای برنامه با آن، بسیار ساده‌تر از سازهای قبلی بود.

کمی بعد، سازهای پلی‌فونیک خوش‌صدایی چون یاماها^۵، موگ، رولند^۶ ARP تولید شدند و سایر شرکتها، مدل‌های جدیدی از سازهای الکترونیکی را عرضه کردند که همگی می‌توانستند چندین نت را همزمان بتوانند. سازی که چند سال قبل، گران‌قیمت و غیر قابل حمل بود، بهزودی تبدیل به وسیله‌ای شد که گروههای بی‌شماری از موسیقی‌دانهای، براحتی از آن استفاده می‌کردند.

پس از اختراع سینتی‌سایزر پلی‌فونی، پیشرفت مهم بعدی در تکنولوژی سینتی‌سایزرهای اولیه روی داد و آن هم به کارگیری حافظه برنامه‌ریزی برای این سازها بود. همه سینتی‌سایزرهای پلی‌فونیک، یک

شیوه آهنگسازی برای همیشه تغییر کرده است. سازهای موسیقی الکترونیک، از چنان کارآیی و تنوعی برخوردار شده‌اند که تقریباً هیچ فرهنگ و ملیتی را در زمینه موسیقی، بی‌بهره نگذاشته‌اند. کیفیت و حتی کمیت موسیقی، در نتیجه ایجاد پدیده‌ای به نام موسیقی الکترونیک، دچار دگرگونیهای عظیمی شده‌اند.

برای پی‌بردن به علل پیدایش این موسیقی، بهتر است مروری مختصر بر تاریخچه این موسیقی بیندازیم. دهه‌های ۶۰ و ۷۰، سالهای خلق انفحار مانند سازهای الکترونیک است. غیر از استفاده فراوان از گیتارهای برقی و کیبوردهای جدیدی چون ارگها و بیانوهای برقی، انواع جدیدی از رسانه‌های موسیقایی الکترونیکی در آلبومها و کنسرتها موسیقی شنیده شدند که سینتی‌سایزرهای الکترونیکی نامیده می‌شوند. این ماشینهای هیولا‌مانند بدقيافه، بر اساس الکترونیک آنالوگ ساده ساخته شده بودند و برای تولید و کنترل صدای، متکی به تغییر ولتاژهای بالاتر، نتهای بالاتر بودند. به این ترتیب که ولتاژهای پایین‌تر، نتهای پایین‌تر را می‌ساختند و ولتاژهای پایین‌تر، نتهای پایین‌تر را بسیاری از شرکتهای کوچک، براساس کنترل ولتاژ، (CV) سازهایی را ساختند. کابلهای الکترونیکی کوتاهی، ولتاژهای اطراف این سازها را بهنحوی کنترل می‌کردند که صدای مورد نظر تولید می‌شد.

برای موسیقیدانهایی که می‌خواستند با یک کیبورد ارگ‌مانند استاندارد بتوانند، کیبوردهای ویژه (CV) ساخته شدند تا بقیه سازهای را هم تحت کنترل داشته باشند. این سینتی‌سایزرهای اولیه مونوفونیک بودند، یعنی در هر لحظه، فقط یک نت را می‌نواختند. برای اینکه خطوط موسیقایی بیشتری در اختیار نوازنده قرار

کامپیوترهای کوچک دارند و با فشرده شدن هر کلید کی بورد به کار می برد، مشهور شد. او در میان یک جفت سینتی سایز 2600 ARP می ایستاد و با یک دست نتهای بالا و با دست دیگر نتهای پایین را می نواخت.

در سال ۱۹۷۹، قدم بلند بعدی برداشته شد و کی بوردهای جدیدی اختراع شدند که مجهز به کامپیوترهای پیچیده‌ای بودند که در پشت ساز قرار داشتند. این سازها را کمپانی ابرهایم ساخته بود. کمپانیهای رودز^{۱۰} و رولند توансند برای نخستین بار سازهای خود را به سینتی سایزرهایی از همان مدل متصل کنند. برای مثال سینتی سایز OBX ابرهایم را می شد به دیگری وصل کرد. هنگامی که نوازنده، روی یک کی بورد می نواخت، سینتی سایزرهای دیگر هم نواخته می شدند. این اختراع، پیشرفت بزرگی بود، زیرا که نوازنده می توانست فقط یک ساز را بنوازد، ولی در یک لحظه چند صد اروی یکدیگر قرار می گرفتند. اما هنوز هم مسئله عمده، یعنی وصل کردن سازهای گوناگون برای به دست آوردن یک صدای واحد، میسر نشده بود.

یکی از افرادی که به این موضوع اهمیت فراوانی می داد، موسیقیدان جاز، هربی هنکوک^{۱۱} بود. او که سخت شیفته تکنولوژی سینتی سایزرهای شده بود، سرمایه اندک خود را صرف خرید چند ساز الکترونیکی کرد تا بتواند آنها را به یکدیگر وصل کند و صدای دلخواه خود را از آنها بیرون بشکشد. برای نخستین بار سازهای گوناگون از گروههای مختلف از طریق اتصال دیجیتالی، با هم ادغام شدند.

موسیقیدانهای راک و جاز، هر روز بیش از پیش به سازندگان این نوع سازها مراجعه می کردند تا ساز خود را به نوعی به آنها بیفزایند. به علاوه، اولین سکوئنسرهای دیجیتالی هم به تدریج اختراع شدند. نخستین سکوئنسرها^{۱۲} را کمپانیهای رولند و ابرهایم ساختند. با کمک سکوئنسرهای، در کنار سینتی سایزرهای، تقریباً تولید هر صدایی ممکن بود.

در اوایل سالهای هشتاد، تحول حیرت‌آوری در موسیقی الکترونیک به وجود آمد. سینتی سایزرهای تا آن روز منحصر در اختیار موسیقیدانها قرار داشتند، به تولید انواع رسیدند و در اختیار همه قرار گرفتند و کمپانیهای آمریکایی، اروپایی و به خصوص ژاپنی، بازار تولید سینتی سایزرهای را در اختیار گرفتند.

قبل از اختراق حافظه قابل برنامه‌ریزی، علت اینکه افرادی چون کیت امرسون^{۱۳} و ریک ویکمن^{۱۴}، کی بوردهای غول پیکری را روی صحنه قرار می دادند، این بود که هر یک از سازهای آنها فقط می توانست یک صدای خاص را تولید کند. آنها ساعتها قبل از اجرا، باید وقت صرف می کردند تا صدای سازهای مختلف را با هم تنظیم کنند. هنگامی که حافظه اختراع شد، به هر سینتی سایزرسی این امکان را داد تا در اجرای زنده یا ضبط نوار، صدای مختصی را فقط با فشار دادن یک دکمه تولید کند. اضافه کردن حافظه به سینتی سایزرهای آنها را دهها بار قابل استفاده تر کرد.

ولی بسیاری از سینتی سایزرهای اولیه، مثل اتومبیلهای اولیه، شخصیت‌های خاص خودشان را داشتند. از بعضیها صدای سازهای مسی و از بقیه صدای سازهای زهی، صدای طبیعی، صدای پرنده‌گان رنگارانگ استوایی، صدای خنده و امثال آنها به گوش می رسد. تنها کاری که باید انجام می شد، این بود که بهترین صدای هر ساز، با یکدیگر ترکیب و تبدیل به ریتمهای موسیقایی مفید و منحصر به فردی شوند.

تکنیکی که بعضی از نوازنده‌گان اولیه سینتی سایزرهای برای تولید صدای جدید به کار گرفتند، نواختن یک قسمت از موسیقی، روی دو کی بورد، به طور همزمان بود، یعنی نوازنده با هر یک از دو دستش، ساز جداگانهای را می نواخت. به این ترتیب، هر نوازنده کی بورد می توانست از هر سازی بهترین استفاده را ببرد، مثلاً از سینتی سایزرهایی که صدای زهی و از سینتی سایزرهای مسی صدای مسی را بگیرد و امثال آن.

موسیقیدانهای راک از جمله کیت امرسون، به خاطر اینکه می توانستند در یک لحظه، کی بوردهای مختلفی را که در مقابل آنها قرار می گرفت به بهترین وجه بنوازنند، از شهرت بسیاری برخوردار شدند. جزو این فول^{۱۵} از گروه جاز و در ری پورت^{۱۶} در سالهای هفتاد، به خاطر تکنیک منحصر به فردی که در نواختن همزمان دو

1. Moog
2. Genesis
3. Oberheim
4. Yamaha
5. Roland
6. Keith Emerson

7. Rick Wakeman
8. Joe Zawinul
9. Weather Report
10. Rhodes
11. Herbie Hancock
12. Sequencer

انقلاب الکترونیکی در موسیقی پیش به سوی

ولی امکانات این ساز، بسیار فراتر از سازهایی بود که تا آن روز وجود داشتند. مهم‌ترین تأثیر گیتار برقی، جهش ناگهانی در موسیقی راک بود. بدون گیتار برقی، موسیقی راک قطعاً در سطح امروزی خود نبود.

در سالهای پنجاه، انواع اولیه سینتی‌سایزرها اختراع شدند. این سازها ابتدا یک آناق را اشغال می‌کردند. از انواع مهم آنها می‌توان به مارک دوم^۱ از کمپانی RCA اشاره کرد. انواع دیگر سینتی‌سایزرها، از جمله ANS در روسیه توسط اوزن موژزین^۲ و اندکی پس از RCA اختراع شدند.

یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که در زمینه موسیقی الکترونیک پیش آمد، موسیقی فیلم سیاره منوعه^۳ بود که در سال ۱۹۵۶ توسط لوئیس باررون^۴ ساخته شد. حتی امروز هم این اثر با هیاهوی گرگنده سینتی‌سایزرهاش، شنونده را بهشدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. سازهای الکترونیک، امکانات صوتی فراوانی را در اختیار آهنگساز قرار می‌دهند و در نتیجه به مرور زمان گسترش بیشتری پیدا می‌کنند.

آغاز انقلاب موسیقایی
دهه پنجاه، مرحله پیشرفت انقلاب موسیقایی‌ای که در

در فاصله سالهای چهل و پنجاه، پژوهشگرانی که بر کشف دنیای موسیقایی اصرار می‌ورزیدند، چندان زیاد نبودند. کسانی چون جان کیج^۵، پی بر شائاف فر^۶ پی بر هنری^۷ و میلتون باب بیت^۸ در این زمینه خدمات فراوانی را متقبل شدند و عرصه جدیدی را به نام موسیقی معاصر (موسیقی نوین) فراهم آوردند که نهایتاً به موسیقی الکترو اکوستیک و موسیقی کانکریت^۹ منجر شد.

در این دوران تولید کنندگان نواهای موسیقی، نقشی اساسی را در این زمینه به عهده گرفتند. ضبط انواع صدایها، میکس کردن آنها و تولید مجدد آنها با در سرعتهای متفاوت، نوعی تحریف صدایی را پدید آورد. حتی دستگاههای ضبطی هم برای این تحریف صدایی اختراع شدند که با نوعی انتخابگر^{۱۰} می‌توانست گامهای موسیقی را تغییر دهد و آن را با نتهاي موسیقایی متداول هماهنگ سازد.

ارگهای الکترونیکی حضور رشد یابندهای پیدا کردن و با کمک دستگاههای ضبط، به محققان، این امکان را دادند که صدای ای غیرزمینی را نیز تجربه کنند.

سپس گیتار برقی اختراع شد. هر چند امکانات صدایی این ساز، تجربه صدایی عمیقی را ممکن نمی‌ساخت،

کارهای موسیقایی آوانگارדי به شکلی انفجاری پدید آمدند و گروه تانجرین دریم^{۲۰}، اشرا تمپل^{۲۱}، گروه کرافت ورک^{۲۲}، کلاستر^{۲۳}، پوپول و^{۲۴}، آمون دوئل^{۲۵}، و کن^{۲۶}، تأثیرات اعجاب‌آوری بر روند موسیقی الکترونیک نهادند. در عین حال موسیقی‌دانهایی که در ازوا به کار مشغول و از این هسته مرکزی سوزان به دور بودند، آرزو داشتند دریچه‌هایی را به سوی عرصه‌های صوتی کشف نشده، بگشایند، از جمله ونجلیز^{۲۷} که در این دوره در گروه فورمینکس^{۲۸} نوازنده بود و چندان زمانی نگذشت که از نواختن ارگ الکترونیک به سینتی‌سایزری که خود طراحی کرده بود، روی آورد.

پینک فلوید، اولین گروهی بودند که به شهرت جهانی رسیدند، زیرا خوب می‌دانستند که چگونه سبک موسیقایی خود را بیان کنند. تحول در گروههای آلمانی، دشوارتر و طولانی‌تر بود، زیرا آنها هدف سخت‌تری را مدنظر قرار داده بودند و می‌خواستند پیوندهای خود را با موسیقی سنتی، از جمله راک حفظ کنند.

پس از اختراع سینتی‌سایزر موگ^{۲۹} در امریکا و خرید آن توسط بزرگ‌ترین موسیقیدانهای پیشرو جهان، جهان علم و موسیقی به‌طور همزمان، تواناییهای سازهای الکترونیک را دریافت. وندی کارلوس^{۳۰} با اجرای شگفت‌انگیز آثار باخ با این ساز، به آن اعتبار و شان بی‌نظیری بخشید.

اریک سی‌دی^{۳۱} در آگهیهای بازرگانی به‌طرز گسترده‌ای از این ساز استفاده کرد و نخستین گامها را در مسیر امروزی موسیقی‌های تلویزیونی برداشت. کیت امرسون^{۳۲} برای نخستین بار از سینتی‌سایزر برای اجرای زنده استفاده و ثابت کرد که این ساز، یک ماشین آزمایشگاهی نیست، بلکه با استفاده از تواناییهای آن می‌توان، اجراهای زنده و بدیعی را به نمایش گذاشت.

- | | |
|---------------------------|---------------------|
| 1. John Cage | 17. Nick Mason |
| 2. Pierre Schaeffer | 18. Richard Wright |
| 3. Pierre Henry | 19. Roger Waters |
| 4. Milton Babbitt | 20. Tangerine Dream |
| 5. Concrete Music | 21. Ashra Temple |
| 6. Selector | 22. Kraftwerk |
| 7. Mark II | 23. Cluster |
| 8. Eugene Murzin | 24. Popol Vuh |
| 9. Forbidden Planet | 25. Amon Duul |
| 10. Louis Barron | 26. Can |
| 11. Beatles | 27. Vangelis |
| 12. Karlheinz Stockhausen | 28. Formynx |
| 13. Mauricio Kagel | 29. Moog |
| 14. Jean-Claude Risset | 30. Wendy Carlos |
| 15. Krzysztof Penderecki | 31. Eric Siday |
| 16. Conrad Schnitzler | 32. Keith Emerson |

سیمده‌سال قبل از آن هم، کم و بیش ادامه داشت. نقطه آغازین این انقلاب، موسیقی راک بود. همه می‌دانند که با خیزش این موج جهانی، نه تنها عرصه موسیقی که عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی، هنری و حتی سیاسی نیز دستخوش تغییرات اساسی شدند و پایه‌های مفاهیم دوره ویکتوریا بی‌در فرهنگ غرب لرزید و حاصل، اینکه در عرصه موسیقی، موسیقی الکترونیک به جهان عرضه شد. بنابراین موسیقی راک به‌طور اخص و موسیقی پاپ به‌طور اعم، تاثیر شگفت‌آوری بر مخاطب، به‌خصوص جوانان گذاشتند و راه را بر پذیرفته شدن موسیقی الکترونیک توسط نسل جوان فراهم آوردند.

در اواسط سالهای ۶۰، با ظهور بیتلها^{۳۳} توده‌های مردم سراپا لرزیدند و گیتار برقی تبدیل به بُتی قدرتمند شد. در همین دوران یک جهش تکنولوژیکی حیرت‌آور در موسیقی ایجاد شد و آن هم اینکه موسیقی‌دانها و تکنسینهای با تفاهم کامل به همکاری با یکدیگر پرداختند و حتی گاهی، هر دوی آنها یکی بودند.

کافشان کهکشان الکترونیک هر روز بیشتر می‌شدند. کارل ژینز اشتوکهاؤزن^{۳۴}، موری چیو کائل^{۳۵}، زان-کلود ریس سه^{۳۶} و کریستف پندرکی^{۳۷} راههای هیجان‌انگیز جدیدی را به روی موسیقی الکترونیک گشودند.

یکی از کسانی که تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر موسیقی الکترونیک دارد، کنراد اشنایت زیلر^{۳۸} است. اهمیت تاریخی خارق‌العاده او در انقلاب الکترونیکی در موسیقی تا بدان پایه است که او را «پدر بزرگ موسیقی الکترونیکی اروپایی معاصر» می‌دانند. او در سال ۱۹۵۱ و در سن چهارده سالگی متوجه شد که علاقه موسیقایی‌اش او بر چیزی و رای موسیقی سنتی متتمرکز شده‌اند. او به عنوان نوازنده پیانو و ویولن، در زمینه استفاده از سینتی‌سایزرها پیشگام بود، همان‌گونه که چند سال بعد در استفاده از کامپیوتر هم چنین بود. او در همه سبکهای موسیقی الکترونیک پیشگام بود و در فاصله سه دهه و با انتشار آثار دلپذیر فراوان، تجربه‌های انتزاعی را با فرمهای مردمی تکنو پایان‌پذیره‌می‌خت.

در اواسط دهه شصت، در انگلستان، رویداد شگفت‌آور دیگری که انقلاب موسیقایی الکترونیکی را به سوی عرصه‌ها و مفاهیم جدی‌تری هدایت کرده است، رخ داد و آن هم چیزی نبود جز تشکیل گروه پینک فلوید، شامل نیک میسون^{۳۹}، ریچارد رایت^{۴۰} و راجر واترز^{۴۱}.

با حضور این گروه، موسیقی الکترونیک جهش خارق‌العاده‌ای کرد. همزمان، در آلمان، نظریه‌ها و

ساله

برساند، قطعه کامل را اجرا کند و بشنود.
 آهنگساز امروزی به مدد سینتی سایزر، می تواند حتی
 بی آنکه از نت استفاده کند، بلاآسطه احساس خود را
 با این ساز شکفت آور بازآفرینی کند و از هر سازی که
 به کارش می آید، استفاده نماید. سازهای الکترونیکی
 حتی می توانند صدای اپی را تولید کنند که قبل از هیچ
 سازی قادر به خلق آنها نبوده است. از همه مهم‌تر اینکه
 کنترل این صداها به وسیله سینتی سایزر، مطلق است و
 آهنگساز این امکان را پیدا می کند که هر صدایی را که
 به ذهنش می رسد، توسط این ساز بیافریند.
 جریانهای مختلف در موسیقی الکترونیک موسیقی
 الکترونیک اعم از اینکه توسط سینتی سایزر یا سازهای
 مبتنی بر کامپیوتر، اجرا شوند، تحت عنوان دوران جدید
 "New Age" دسته بندی می شوند و شامل موسیقی

امروزه هنگامی که درباره موسیقی سخن می گوییم،
 موسیقی الکترونیک در همه عرصه‌ها حضور دارد و
 فقط منحصر به موسیقی پاپ نیست، در حالی که
 روزگاری سخن گفتن از اجرای موسیقی توسط سازهای
 الکترونیکی و به خصوص آهنگسازی توسط آنها مسخره به
 نظر می رسد. هنوز هم کسانی وجود دارند که معتقدند،
 الکترونیک، خلاقت را در موسیقی از بین می برد.
 یکی از اساسی ترین نیازهایی که سبب شد استفاده
 از سازهای الکترونیکی پاپ شود، این بود که خالق اثر
 موسیقی باید منتظر می ماند تا یک ارکستر، اثر او را به
 شکلی کامل اجرا کند تا بتواند دریافت کاملی از اثر خود
 به دست آورد، اما امروزه به برگت وجود سینتی سایزرهای
 بسیار بیچیده و پیشرفته، کامپیوترها و سکوئنسرهای
 آهنگساز می تواند قبل از آنکه اثرش را به گوش مخاطب

تلخیص ارجی . آم . سی

ای اخراجی

را کامل‌آ در این دسته جای داد. در سالهای ۷۰، پینک فلوید به عنوان گروهی پیشرو، دنیا را با آثار خود متغیر کرد. این گروه در سالهای ۷۰ به اوج بلوغ هنری خود رسید. سبک پینک فلوید را می‌توان بیشتر، تکنو دانست. موسیقی فضایی: که به نامهای کهکشانی "Cosmic" یا اسباب "Ambient" شناخته می‌شود، ابتدا در موسیقی راک جدید آلمان شنیده شد و در واقع قدرتمندترین نشانه‌های این سبک، در موسیقی آلمان پدید آمدند. پیدا کردن ریشه‌های این موسیقی، دشوار است، ولی اگر به جای توجه به تکنولوژی، به آثار باخ، دبوسی یا واگنر دقت کیم، رگهای این سبک را در آنها می‌یابیم. در واقع موسیقی کهکشانی، ترکیبی است از موسیقی الکترونیک و ساختارهای موسیقایی نوبن که در آن ملودیهای رؤیاگوئه و ریتمهای پیچیده‌ای به گوش

"کهکشانی" "Cosmic Music"، موسیقی جهانی "World Music" و انسواع دیگری هستند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: تکنو "Techno": در موسیقی الکترونیک، این جریان از همه شناخته شده‌تر است. این موسیقی در اوخر سالهای ۱۹۸۰ و اوایل سالهای ۱۹۹۰ در آلمان و توسط گروه کرافت ورک^۲ به وجود آمد. موسیقی روانی، سمفونیک و / یا راک فضایی: این سبک هم کاملاً شناخته شده است. اسامی مشهوری چون پینک فلوید^۳، کینگ کریم سون^۴، جنسیس^۵ و دیگران را در برمی‌گیرد. در این جریان به اسامی مایک اولدفیلد^۶، پیتر گابریل^۷ و بسیاری از هنرمندان پاپ هم برمی‌خوریم که هرچند رابطه تنگاتنگی با جهان الکترونیک دارند، نمی‌توان آنها

کار گرفته شدند. برخی از این سازها عبارت‌اند از هار پسی کورد^{۱۵} الکترونیکی، پیانوهای الکترومagnetیسی و سینکر آرکهای^{۱۶}. این اختراعات در زمان خود، توجه عامه مردم را جلب نکردند و در نتیجه اسنادی که درباره آنها باقی مانده‌اند، مفسوش و اندک هستند. حتی در آلمان که مهد موسیقی الکترونیک است، روزنامه‌نگارانی که با شور و اشتیاق تولد موسیقی الکترونیک را مزده دادند، از سوی همکاران خود مورد استهزا قرار گرفتند. هیچ‌کس باور نمی‌کرد که فقط یک قرن بعد، الکترونیک تمامی عرصه‌های موسیقی را تسخیر می‌کند.

- | | |
|-------------------|-------------------|
| 1. Sequencer | 9. Mauricio Kagel |
| 2. Kraftwerk | 10. Steve Reich |
| 3. Pink Floyd | 11. Philip Glass |
| 4. King Crimson | 12. Wagner Tiso |
| 5. Genesis | 13. Wendy Carlos |
| 6. Mike Oldfield | 14. Isao Tomita |
| 7. Peter Gabriel | 15. Harpsichord |
| 8. Milton Babbitt | 16. Singer Arc |

موسیقی الکترونیک تحولی در آهنگ‌سازی

هربرت راسکول

موسیقی برای همیشه عوض شده و ابزاری در عرصه آن پدید آمده‌اند که عده‌ای را هیجان‌زده کرده و دیگران را به هراس انداخته است. دیوارهای موسیقی فرو ریخته‌اند و جریان موسیقی در گوش و کنار دنیا به راه افتاده است. آهنگ‌سازها بی‌آنکه نیازی به دانستن نت و ابزار موسیقی



داشته باشند، به محض آنکه آهنگی به ذهنشان می‌رسد، آن را اجرا و ضبط می‌کنند. معلمهای موسیقی، این روزها ناجارند روش‌های قبیمی تدریس را کنار بگذارند و یکی از این سازهای الکترونیکی را بخربند و یا با افزایش محبوبیت این سازها و بی‌نیازی هنرجویان به شیوه‌های

می‌رسند. موسیقی فضایی، ماهیتاً بیش از سبکهای دیگر منوط به سازهای الکترونیکی است و تکنولوژی موسیقایی فوق العاده پیچیده‌ای برای اجرای آن ضرورت دارد. انفجار عظیم تکنولوژی موسیقائی در سالهای هفتاد، در موسیقی کهکشانی، بیشترین نمود را داشته است.

الکترو آکوستیک، موسیقی کانکریت- Crete: این موسیقی سرشار از تجربه‌های صدایی نوین است و خاطره انگیزترین کشفها را در موسیقی الکترونیک در خود داشته است. این موسیقی قبل از پیدایش اولین سینتی‌سایزرها، در ابعاد گسترده‌ای تولید می‌شد. افرادی چون میلتون باب بیت^{۱۷} یا موری چیو کاکل^{۱۸} پیشروان این نوع موسیقی هستند.

موسیقی مینی‌مالیستی: این موسیقی نوعی موسیقی تکرار شونده است که از موسیقی الکتروآکوستیک، و تا حدی از موسیقی فضائی سرچشمۀ گرفته است. بزرگ‌ترین هنرمندان این سبک استیو ریچ^{۱۹} و فیلیپ گلاس^{۲۰} هستند.

جاز الکترونیک: در موسیقی جاز سبکهای گوناگونی وجود دارند. نوع الکترونیک آن به طور کامل و یا همراه با ارکستر، با سینتی‌سایزر نواخته می‌شود. مشهورترین هنرمند در این سبک، موسیقی‌دان بروزیلی، واگنر تیسو^{۲۱} است.

غیر از این سبکها که عمدهاً متکی به سازهای الکترونیک هستند، هنرمندان دیگری نیز کم و بیش از این سازها استفاده می‌کنند. حتی هنرمندان موسیقی کلاسیک^{۲۲} با این سازها، قطعات به یادماندنی و دلیزدیری را آفریده‌اند. آهنگ‌سازان کلاسیک هر چند به سینتی‌سایزر دسترسی نداشته‌اند، اما آثار آنها غالباً با این ساز قابل اجراست. اجراهای بسیار موفق وندی کارلوس^{۲۳} از آثار باخ، دلیل محکمی بر این مدعای است. همچنین اجراهای درخشان ایساشو توهمیتا^{۲۴} از آثار دبوسی، استراوینسکی، پروکوفیف و اشتراوس نشان می‌دهد که خلاقیت در اجرای موسیقی، حرف آخر را می‌زند.

ریشه و مبنای موسیقی الکترونیک

سابقه موسیقی الکترونیک بسیار قدیمی‌تر از آن است که ظاهرأ به نظر می‌رسد. این سابقه به سالهای آخر قرن نوزدهم می‌رسد که سازهایی کم و بیش الکترونیک و بسیار عجیب، در موسیقی به

شنبده می‌شود، برای روشن کردن این نکته کافی است. البته شوئبرگ^۱ را نیز نباید از باد برد که معتقد بود ۱۲ نت یک اکتوور را می‌توان با هر نظم و دلیل نواخت (البته تارمانی که از قوانین او پیروی می‌شدا)

سراجام در آستانه قرن بیستم دیوارهای قلمروهای همه این دوره‌ها، فرو ریختند. قرن صنعت، ماشین، علم، اینترنت و جنگهای هولناک که همه کره زمین را در بر گرفتند، نیروی اتمی، سفرهای فضایی و پرتاب موشکها، فرارسید. موسیقی همیشه محیطی را که در آن زاده می‌شود، نشان می‌دهد. تا این زمان، موسیقی، صدای پرنده‌ها و باد و اقیانوس را منعکس می‌کرد. اینک صدای ماشینها، هواییماها، رادیوها و ماشینهای چمن‌زنی نیز به محیط ما افزوده شده بودند و ما برای شنیدن صدای پرنده‌ها، باید گوش‌هایمان را تیز می‌کردیم. محیط زندگی ما پراز سر و صدا، تخریب و همه‌همه است، بنابراین، موسیقی نیز همین محیط را نشان می‌دهد. موسیقی قرن بیست را ریاضی دانها و دانشمندان و برنامه‌ریزان کامپیوتر نوشتند و کمپانیهای صفحه پرکنی، نوعی از موسیقی را که به نظر آنها موسیقی خوبی بود، دیکته کردند. دوران هیجان انگیز و در عین حال هراس آور موسیقی آغاز شده بود. کسی نمی‌دانست موسیقی در هزاره بعد به کدام مسیر خواهد رفت.

موسیقی دوران ما، مرزهای خود را به شدت گسترد کرده و عملانه‌ها را یکی پس از دیگری پشت سر نهاده است. موسیقی الکترونیکی که کمتر موسیقی دانی در کتابها و کلاس‌های موسیقی بر آن تاکید می‌کرد و بیشتر به تفہن و بازیگوشی شبیه بود، با چنان سرعت حیرت‌انگیزی بر تمامی عرصه‌های موسیقی مسلط شده است که دیگر، کسی نمی‌تواند آن را انکار کند. این موسیقی، صدای‌هایی را در اختیار آهنگسازها قرار داده است که قبل از تعریش را هم نمی‌کردند. آیا آنچه از این موسیقی به دست خواهد آمد، نهایت آمال و بهشت آهنگسازهاست؟ یا ماشین جایگزین استعداد و الهام خواهد شد و موسیقی به تدریج در همان دام تکرار و کسالتی خواهد افتاد که پیشگامان نخستین این موسیقی در پی رهایی از آن بودند؟

تنها آهنگسازان جوان هستند که می‌توانند در این باره تصمیم بگیرند.

هربرت راسکول می‌گوید: «دست آخر، اگر این موسیقی جواب نداد، می‌توانیم دوشاخه ساز را ز پریز بیرون بکشیم!»

قدیمی، در فقر دست و پا بزند. البته کریستوفوری^۲ هنگامی که «پیانوفورته» خود را اختراع می‌کرد، ابداً تصورش را هم نمی‌کرد که دنیای موسیقی را تکان خواهد داد. او فقط به زعم خودش داشت سازی جدید را اختراع می‌کرد. در سالهای ۱۷۰۰، مورخین احتمالاً برای همگامی با «موسیقی جدیدی» که برای پیانو نوشته شده بود، دچار مشکل شده بودند. هنگامی که کریستوفوری در سال ۱۷۰۹، پیانو را عرضه کرد، احتمالاً مورخین موسیقی تصور کردند این بدعتی است که به زودی از بین خواهد رفت، چون همیشه، «هارپ»‌ها و «ک‌لاؤیه»‌ها سازهای واقعی موسیقی بوده‌اند.

ما این امتیاز را نسبت به موسیقی دانهای سالهای ۱۷۰۰ داریم که می‌توانیم نگاهی به تاریخ گذشته موسیقی بیندازیم و ببینیم چه پیش آمد که ناگهان در قرن بیستم، تحولی انفحاری در موسیقی به وقوع پیوست.

هر مرحله یا هر «دوره» موسیقی، «نامی» یا دسته‌بندی‌ای دارد: دوره‌های باروک، کلاسیک، رومانتیک، امپرسیونیستی، نئوکلاسیک و غیره. «دوره» در واقع بیانگر سبک یا فرم موسیقی است، ولی چنانچه به هر یک از این دوره‌ها توجه کنیم، به آهنگسازانی بر می‌خوریم که سعی داشته‌اند عرصه موسیقی را گسترش بدهند و قوانین موجود را بشکنند. آهنگسازها احساس می‌کردند که فاصله‌ها دارند هر روز بیشتر می‌شوند و موسیقی دوران آنها، خسته کننده و کسالت‌بار شده است. تنها چیزی که برای آنها باقی مانده بود، تکرار بود و تکرار و تنها کاری که از دست آنها بر می‌آمد، این بود که قانونی را در اینجا تغییر دهند و صدای جدیدی را در آنجا به وجود بیاورند که چندان تغییر مهمی ایجاد نمی‌کرد. البته موسیقی دانهای محافظه کار در مقابل این تغییرات گوششان خود را می‌گرفتند و آنها را مسخره می‌کردند و موسیقی آنها را آشوبگرانه می‌دانستند. اما از آنجا که موسیقی دانها همیشه انسانهای خلاقی بوده‌اند، اگر دنیا برایشان کوچک شود، افمار جدیدی را کشف می‌کنند و بعد هم ستاره‌های تازه‌ای را می‌آفینند!!

بتهوون، ساکسوفون^۳ و گانگ^۴ را به ارکستر افزود شوبرت مثل یک دیوانه، شروع به تغییر فواصل کرد. واگنر با موسیقی، خشم خود را علیه جنگ نشان داد. برآمس از جنگ علیه واگنر استفاده کرد. دبوسی نغمات موسیقی شرق را به عاریت گرفت و نغمه‌های جدیدی را پدید آورد. ارکسترهای موسیقی پیوسته بزرگتر و صدای موسیقی، رسانتر می‌شد. همچنین طول مدت قطعات موسیقی نیز طولانی تر شده بودند. نگاهی به آثار واگنر و یا ساتی^۵ که فقط از یکی از آثارش، ۸۴۰ صدا

1. Max Matthews
2. Cristofori
3. Pianoforte
4. Saxophone

5. gong
6. Satie
7. Schoenberg

ایتالیا موسیقی ایتالیا

تیز کنیم، حتی تیزتر از چشمها یمان و از تشخیص صدای لوله‌های آب، هوا، گاز، رفت و آمد ماشینها، چرخیدن پیچ و مهره‌ها، بالا و پایین رفتن پیستونها، چرخیدن چرخ‌دنده‌ها بر روی هم و خوردن پرچمها به دیر کهایشان لذت ببریم. ما باید به هم خوردن درهای ساختمانها، همه‌همه بلند و آشنا جمعیت مردم، صدای ایستگاههای قطار، کارخانه‌ها، چاپخانه‌ها، ایستگاههای فشار برق قوی و متروها را به موسیقی خود بیفزاییم، زیرا چه بخواهیم چه نخواهیم، جزو زندگی ما هستند.»

او در مانیفست دیگری به نام "Musica Futurista" می‌نویسد: «باید به تسلط ویکتوریایی به تمامی مفاهیم، از جمله موسیقی خاتمه داد و صدای ای را که روح جمعیت، کارخانه‌های بزرگ، راه‌آهن، خطوط حمل و نقل، کشتهای جنگی، انواعی اهلها و هوایی‌ها را بیان می‌کند و واقعیت زندگی هستند، به موسیقی سنتی خود بیفزاییم.»

نخستین کنسرت گروه توسط ماری‌نستی و روس‌سولو در سال ۱۹۱۴ برگزار شد. کنسرت شامل آثاری به نام چهار شبکه از صدای بود و با این عنوان اجرا شد: ۱. بیدار کردن پایتخت. ۲. ملاقات ماشینها و هوایی‌ها. ۳. شام در تراس کازینو. ۴. زد خورد در آبادی. کنسرت با جدال خشونتباری بین نوازندگان و تماشاگران پایان گرفت.

هر چند هیچ یک از آثار این گروه متأسفانه ضبط نشده‌اند، اما بی‌تر دید، آرای آنها با همه افرادی بودنشان، منای حرکت بزرگانی چون وارز^۴ و شائف‌فر^۵ قرار گرفت. امروزه می‌بینیم که در اغلب آثار، به خصوص موسیقی مردمی، صدای محیط پذیرفته شده‌اند. روس‌سولو باعث شد که موسیقی‌دانها برای الهام گرفتن، نگاهی هم به محیط زندگی واقعی خود بیندازند و آنها را مجباً کرد که ذهنها... و گوشها یاشان را باز کنند.

1. Luigi Russolo
2. Filippo Tommaso Marinetti

3. Pratella
4. Varese
5. Schaeffer

در تاریخ معاصر ایتالیا، سه تن به عنوان هنرمندانی که توانستند آینده را به خوبی پیش‌بینی کنند، شاخص هستند: لوئیجی روس‌سولو^۱ (۱۸۸۵-۱۹۴۷) نقاش، فیلیپ پوتوم ماسو ماری‌نستی^۲ (۱۸۷۶-۱۹۴۴) شاعر و پراتل لا^۳ (۱۸۸۰-۱۹۵۵) موسیقی‌دان. آینده‌بینان هم در هنر و هم در سیاست، فعالیت چشمگیری داشتند. ماری‌نستی، وکیل و شاعر، رهبر گروه بود. او گذشته‌ها را مانع کارش می‌دید و می‌خواست با انتشار بیانیه‌ای آینده هنر و سیاست را ترسیم کند. این گروه تا پس از جنگ جهانی اول، منحصراً فعالیت سیاسی می‌کرد. موسولینی ابتدا پیرو این گروه شد، اما به محض این که به قدرت رسید، آنها را به سکوت و ادامت و از سیاست کنارشان گذاشت.

گروه، مانیفستهایی را درباره هنرهای بصری، مجسمه‌سازی، نقاشی و موسیقی صادر کرد، ولی ما در این میان، منحصراً به نقش روس‌سولو و اهمیت او در موسیقی الکترونیک تکیه می‌کنیم.

روس‌سولو در جنگ راننده موتورسیکلت بود و در همانجا هم زخمی شد. او اعتقاد داشت که سروصدای‌های جوامع، به نوعی تبدیل به موسیقی قرن جدید شده‌اند. او در مانیفست خود، هنر صدای (۱۹۱۳) می‌نویسد:

«زندگی قدیم ساکت بود. در قرن نوزدهم، با اختراع ماشین، صدا زاده شد. امروزه، صدای این احساسات انسانها حکم می‌رانند.»

به اعتقاد او، بشر، ریتم و گام رانیز براساس نیازهای تاریخی خویش ساخته است و اجزای پیچیده‌ای چون پلی فونی، راههایی هستند که به پیشرفت بشر در زمینه موسیقی کمک کرده‌اند. از آنجا که موسیقی پیوسته پیچیده‌تر شده است، به نظر او، ترکیب صدای بـه عنوان زبان موسیقی، گام منطقی بعدی است. او بعدها نوشت:

«ما باید این حصار تنگ صدای ای صرفاً موسیقایی را بشکنیم و صدای ای گوناگون جدیدی را کشف کنیم. باید در این شهرهای بزرگ بجریم و گوشها یمان را

جی. ام. بسی
وداد توحیدی

سینما در قصه های موسیقی

فاکس^۱ با شرکت در موسیقی فیلم "Ultravox" نشان می دهد که یک نابغه واقعی است. برایان اینو^۲ نیز در این زمینه به موفقیتهای زیادی دست می باید و سوزان سیانی^۳ با موسیقی سرشار خود، شبکه های تلویزیونی را در اختیار می گیرد و ملودیهای مردم پسند را از طریق موسیقی الکترونیک به گوش آنها می رساند. او در زمینه موسیقی برای آگهیهای بازرگانی، گویی سبقت را از همگان می رباشد و به این ترتیب، موسیقی الکترونیک را در ابعاد وسیعی معرفی می کند.

در سال ۱۹۷۹، ونجلیز موسیقی فیلم "Opera" "Sauvage" را می سازد که از سه ساعت آن فقط ۴۰ دقیقه اش پخش می شود. ونجلیز با این اثر، یکی از شاهکارهایش را به دنیا ارائه می کند. در این اثر که نعمات آن بسیار انسانی هستند، شنونده به شدت تحت تأثیر ملودیها قرار می گیرد و نعمات فضایی با حال و هوایی حماسی عرضه می شوند.

در سال ۱۹۸۰، ونجلیز موسیقی مجموعه تلویزیونی مستند "Cosmos" را می سازد که از اعتبار خاصی بپرهمند می شود. گروه کرافت ورک^۴ موسیقی فیلم "Death Wish 2" را می سازد که هیاوه و نعره های ترکیبی فراوان سازهای الکترونیک و صدای انسانی، هنوز فضای اضطراب آور آن فیلم را تداعی می کند، فضایی که ایجاد آن با سازهای سنتی امکان پذیر نیست.

کیtarو^۵ با ساخت موسیقی مستند تلویزیونی جاده ابریشم، دریچه های جدیدی را به روی موسیقی فیلم می گشاید. در سال ۱۹۸۲، ونجلیز برای موسیقی فیلم "Chariots of Fire" جایزه اسکار می گیرد و خود را به عنوان یکی از بزرگ ترین سازندگان موسیقی فیلم تثبیت می کند. آثار بعدی او در زمینه موسیقی فیلم عبارتند از: "The Bounty" و "Missing". وندی کارلوس^۶ با ساختن موسیقی فیلم "Shining" برای استثنی کوبریک که فقط از دقایقی از آن استفاده می کند، نبوغ خود را در ساخت موسیقی فیلم نشان می دهد. او با آنکه از استفاده نشدن موسیقی اش توسط کوبریک آزره خاطر می شود، موسیقی درخشنان فیلم "Tron" را می سازد و با آثاری چون "Digital Moon- Beauty in The Beast" و "scapes" از شهرتی

جهانی برخوردار می شود.

- 1.Vangelis
- 2.Klaus Schulz
- 3.Tangerine Dream
- 4.John Foxx
- 5.Brian Eno

- 6.Suzanne Ciani
- 7.Kraftwerk
- 8.Kitaro
- 9.Wendy Carlos

پس از آنکه ونجلیز^۷ توانست با آلبوم "Heaven and Hell" در موسیقی الکترونیک انقلاب نوینی را آغاز کند، برای برنامه فضایی پرتاب آپولو به ماه از او دعوت شد تا موسیقی فیلمی را براساس تمها فضایی سازد. در این اثر، صدای اس ریپ و دیوانه کننده ای که بیشتر توسط سازهای کوبه ای اجرا می شوند، در کنار نعمات آرام و بسیار صلح آمیز، توان موسیقی الکترونیک و سازنده جوان آن، ونجلیز را به نمایش می گذارند. ونجلیز بلافاصله موسیقی سریال مستند تلویزیونی "La Fete" را می سازد که به حیات وحش در آفریقا می پردازد. در این موسیقی فیلم، او به طرز استادانه ای سینتی سایزرهای و صدای اس را با نغمه های بومی در هم می آمیزد.

کلاوس شولز^۸ نیز در این سال موسیقی فیلم "Body Love" را می سازد و ثابت می کند که موسیقی الکترونیک منحصر به صدای اس عجیب و نعمات علمی تخلیی نیست، بلکه می تواند براساس سبکی که اختیار می کند، بیانگر نهفته ترین احساسات آدمی باشد و در واقع زیبایی و شگفتی اثر، به سازنده آن ارتباط پیدا می کند و ساز از هر نوعی که باشد، ابرازی بیش نیست. گروه تانجرین دریم^۹ هم که خود را تقریباً در استودیوی حبس کرده اند، موسیقی آگهیهای بازرگانی، فیلم های مستند، ایستگاه های رادیویی و دیسکو تکها را در قبضه خود می گیرند. موسیقی آنها غالباً پیچیده و انتزاعی است. موسیقی بسیار هیجان انگیز فیلم "Sorcerer" توسط این گروه ساخته شده است.

سینتی سایزرهای زودی در موسیقی فیلم تسلط مطلق پیدا می کند و موسیقی فیلم "Midnight Express" از موفقیت شگفت آوری برخوردار می شود و جان

مضامین دینی در موسیقی الکترونیک

از مقدمه‌ی این مقاله شنیدن در دور را در اساز کیاره،
آهنگساز سپاهان راسی سر بر یوان حسین‌جو بود.
تو نه خصیص در تحسین اذارهای خود، بدست از
سپاهان سرش استفاده می‌کرد و از دست که تحسین
و ستر را درست کرد خود هزار داده بود، در این
زمانه پیش از همچویی همچویی همچویی این را
کرد. از این مقدمه‌ی این موسیقی در تحسین اذارهای خود
که بزرگ شد کارهای تجارتی شد.

L.Vangelis

P.Kitaro

در سال ۱۹۷۶ می‌لائمه "ALBEDO 039" نوشتند و جمله که آن موسیقی حسین‌جو
در تحسین اذار دارد، او مشاهده کار خود "Heaven and Hell"
که بزرگداشت از مقدمه‌ی این موسیقی و منتهی‌هایی را
در موسیقی اذارهای خود می‌داند، همچویی این را
کرد. از این مقدمه‌ی این موسیقی در تحسین اذارهای خود
که بزرگ شد کارهای تجارتی شد.

نهادهای موسیقی

سازهای اذارهایی در موسیقی الکترونیک

جی. ام. سی

نویدمی‌دان
موسیقی الکترونیک بسیار مدیون مخترعینی است که
دانش خود را در اختیار موسیقی قرار دادند، دانشی که
جامعه ویکتوریایی با چنگ زدن به مفاهیم موسیقایی
ستنی، به آن امکان بروز نمی‌داد.

قرن حیرت انگیز بیستم
پس از چنان جهانی اول، در اختراع سازهای
الکترونیک، افزایش قابل ملاحظه‌ای پدید آمد. در
آلمان، یورگ میگر^۱ نوعی ساز الکترونیکی بدون
کیبورد را اختراع کرد. نتها در این ساز با چرخاندن
دستگیرهای که فرکانس صدا را تنظیم می‌کرد، تولید
می‌شدند. او همچنین ارگی الکترونیکی را ساخت که

نخستین ساز به تمامی الکترونیک را تاده‌نوش
کاهیل^۲ در سال ۱۹۰۰ ساخت و نام آن را تل
هارمونیوم^۳ گذاشت. موسیقی نواخته شده توسط این
ساز، از طریق شبکه‌های تلفنی برای کسانی که به
آن علاقه داشتند، پخش می‌شد. همین تجربه در زمینه
موسیقی پایید^۴ است. در آن زمان، اختراع این ساز،
انصافاً گام بلندی در موسیقی بود و به این ترتیب بود
که علم الکترونیک با همه توان و نیروی خود به کمک
موسیقی آمد و ناممکنها را ممکن کرد. موسیقی که به
اتکای گیتار یا ارگ الکترونیکی نواخته می‌شد، ناگهان
دنیای عظیمی را پیش روی خود دید. دنیایی که ظهور
سینتی‌سایزها و انواع سازهای پیچیده الکترونیکی را

سبکهای مختلف در سازهای آکوستیک، به فکر پیشبرد فنی آنها بودند و در نتیجه، غالباً از نظر فرهنگی، از جامعه خویش سیار پیش می‌افتادند.

در اوآخر سالهای ۱۹۲۰ بود که لوترمن به روسیه برگشت و یورگ میگر فوت کرد. با آغاز جنگ جهانی دوم، همه توجهات معطوف به مسائل بحرانی شدند و موسیقی در ورطه فراموشی افتاد.

در سالهای پس از جنگ و به دنبال پدید آمدن گروههای پیشو در آلمان و به خصوص پینک فلوید در انگلستان، درپی دستیابی به ابزار تکنولوژیکی مناسب که بتواند اهداف هنرمندانه نوازندهان و آهنگسازان آوانگارد را برآورده سازد، روپرت موگ^{۱۸}، مهندس الکترونیک امریکایی که با موسیقی نیز آشنا بود، در اوقات فراغت خود، ترمینهای جدیدی را ساخت. شناسی که او آورده بود این بود که او با هر برتر دوچ^{۱۹}، استاد موسیقی آشنایی داشت. او براساس نیازهای فنی این موسیقی دان و علاقه شخصی خود به موسیقی، نخستین سینتی سایزری را که می‌شد ولتاً آن را کنترل کرد، ساخت. بلاعاقله توجه جامعه علمی به این اختصار جلب شد و جامعه موسیقی نیز، از پدید آمدن ابزاری که قرار بود جای ارکستر را بگیرد، استقبال کرد.

چندان طولی نکشید که موگ از موسیقی دانهای سراسر جهان سفارش‌هایی را دریافت کرد. اولین مشتریان او عبارت بودند از: والتر (وندی) کارلوس^{۲۰}، اریک سی دی^{۲۱} و کیت امرسون^{۲۲}. کارلوس با بهره‌گیری از این ساز برای اجرای آثار یوهان سایاستیان باخ، ثابت کرد که این ساز فقط به کار ایجاد صداهای فضایی و یا اصوات عجیب و غریب نمی‌آید، بلکه سازی بسیار تواناست که گرما و حالت و توانایی یک ارکستر را در خود نهفته دارد و می‌تواند با بهترین سازهای آکوستیک رقابت کند.

سه کیبورد داشت و صداهای مختلف را با یکدیگر ترکیب می‌کرد. او سازی مونوفونیک به نام کاله ایدوفون^{۲۳} را هم ساخته بود که فقط یک کیبورد داشت و به نوازنده امکان ترکیب صدای سازهای را می‌داد. لوترمن^{۲۴} موسیقی دان روسی، سازی را به نام ترمن فوکس^{۲۵} یا ترمین^{۲۶} اختراع کرد. این ساز فاقد کیبورد بود و صداها، با حرکت دادن دستها در مقابل آنتنهایی که از ساز بیرون زده بودند، تولید می‌شدند. همین خصیصه، به ساز، این توانایی را داده بود که به هارپ لیزری که بعدها توسط ژان - میشل ژار^{۲۷} اختراع شد، شبیه باشد. ترپ سی تون^{۲۸}، به نوعی برادر بزرگتر ترمن فوکس بود که دامنه موسیقایی آن با حرکات کل بدن تنظیم می‌شد، یعنی این ساز به وسیله رقص نواخته می‌شد! ریتمی کون^{۲۹} در واقع پدر بزرگ سکوئن سرهای کنونی است.

غیر از این ابزار، لوترمن نوعی سل لو^{۳۰} را اختراع کرد که یک ماشین درام^{۳۱} ابتدایی بود و یک صفحه کیبورد داشت. هوگو گرنزیک^{۳۲} مبدع اصطلاح علمی - تخيلى^{۳۳}، ساز پایوناره^{۳۴} را که با یک کیبورد پلی فونیک، کار می‌کرد، اختراع کرد. در فرانسه ژولیت کاپلو^{۳۵} ارگی الکترونی کی را اختراع کرد که ۷۶ نوع صدای متفاوت را تولید می‌کرد.

به زودی سازهای الکترونیک جایگاه خود را در جهان موسیقی پیدا کردند و لوترمن در همه اروپا به سفر پرداخت و درباره ساز خود سخنرانیهای جالبی را ایجاد کرد و سرانجام در امریکا اقامت گزید. او ساز خود را همراه با ارکستر فیلامونیک نیویورک نواخت. در این زمان موسیقی دانهایی چون کلارا راک مور^{۳۶} که در موسیقی الکترونیک تخصص داشتند، پدید آمدند. کلارا در نواختن ساز ترمن فوکس مهارت ویژه‌ای داشت. در این سالها، آثار بی‌شماری چون راز سمفونیک برای ترمن فوکس و ارکستر (۱۹۲۴) و موسیقی متن فیلمها ساخته شدند.

زوال موسیقی الکترونیک

نکته جالب در جامعه صنعتی این است که رونق موسیقی الکترونیک به عنوان یک بدبعت تکنولوژیک، در اوآخر دهه سی، ناگهان روبه زوال رفت. این موسیقی که غالباً پیچیده بود، به سرعت مخاطب عام خود را از دست داد. تکنولوژی کار خودش را می‌کرد، اما زمینه فرهنگی - هنری کافی برای خلق آثار ارزشمند موسیقایی، در نظر گرفته نشده بود و آهنگسازان به جای بهره‌گیری از

- | | |
|------------------------|-----------------------|
| 1. Thaddeus Cahill | 13. Drum |
| 2. Telharmonium | 14. Hugo Gernsback |
| 3. Piped Music | 15. Science Fiction |
| 4. Jorg Mager | 16. Pionard |
| 5. Kaleidophono | 17. Givelet Coupleaux |
| 6. Lev Terpen | 18. Clara Rockmore |
| 7. Termenvox | 19. Robert Moog |
| 8. Theremin | 20. Herbert Deutsch |
| 9. Jean - Michel Jarre | 21. Walter (Wendy) |
| 10. Terpsitone | Carlos |
| 11. Rythmicon | 22. Keith Emerson |
| 12. Cello | |

هری لاتگمن^۱

فؤاد توحیدی

آنکه و نیز انجامی الکترونیک

ولی بعدها به سبکهای موسیقی دینی تعامل پیدا کرد و این ساز را در آنبار گذاشت.

بیست و پنج سال بعد، تولیدکننده و ترانه‌سرای انگلیسی جومیک^۲، (خالق اثر شگفت‌آور «تل استار»^۳ در سال ۱۹۶۱) و شاگردش هاینز^۴ برای یک سفر تحقیقاتی به نیویورک رفتند. آنها در شهر می گشتنند تا قطعات و ابزار لازم را برای ساخت ساز مورد نظر خود پیدا نمایند. در این هنگام بود که میک، ریتمی کون را در یک مغازه سمساری در شرق نیویورک پیدا کرد. میک، این ساز را به استودیویش در شمال لندن منتقل کرد و با آن آثار فراوانی را ساخت. زندگی پر از شکنجه و آزار میک به قدری دشوار شد که کارش به دیوانگی کشید و پس از بحث با صاحب‌جانهایش لو را به قتل رساند و خودکشی کرد.

ریتمی کون، به همراه سایر وسائل استودیوی میک، حراج شد. در سال ۱۹۹۲، نیک کوب^۵ از گروه «پینین»^۶ در استودیویی در شمال لندن کار می کرد که ریتمی کون را در قفسه‌های پشتی اتیار استودیو کشف کرد او که از تاریخچه این ساز، خبر داشت، بلادرنگ آن را برداشت و به کار گرفت.

یک سال بعد، گیتاریست کلاسیک با استعداد، جان کیم^۷ این ساز را همراه با گروههای کوب^۸ و «پینین» نواخت. کیم و کوب با همکاری یکدیگر، آثار بدیعی را با ریتمی کون خلق کردند.

رسانی کدن

ریتمی کون سازی الکترونیکی است که می‌تواند داده‌های هارمونیک را به داده‌های ریتمیک وبالعکس تبدیل کند. این ساز توسط آهنگسازی به نام هنری دیکسون کاول^۹ و مخترع روسی لون ترمین^{۱۰} ساخته شد. اولین اثری که برای این ساز نوشته شد، «کسروتو» برابی ریتمی کون وارکستر^{۱۱} نام داشت که در سال ۱۹۳۱ توسط کاول ساخته شد.

هنری دیکسون کاول (۱۸۸۷-۱۹۶۵) در سواحل غربی ایالت متحده آمریکا، در فقر بزرگ شد. اولین کنسرت خود را هنگامی که پانزده ساله بوده اجرا کرد که کار تجربی درخشانی بود. ابتدا تحت نظر سی گر^{۱۲} موزیکولوژی تطبیقی خواند و بعدها در نیویورک، زیر نظر فون هورن باستل^{۱۳} آن را آدامه داد.

لون ترمین (۱۸۹۳-۱۹۹۳) به خاطر اختراع «ترمین»^{۱۴} شهرت فراوانی کسب کرده است. ترمین سازی الکترونیکی است که به هیچ تماس فیزیکی‌ای توسط نوازنده نیاز ندارد و نوازنده فقط با حرکت دادن دستهایش در اطراف ساز می‌تواند هم گام و هم حجم صدا را کنترل کند و صدایی ریز، شبیه ویولن را به وجود آورده. ترمین در سالهای ۱۹۲۰ از روسیه به آمریکا رفت و در آنجا به عنوان مخترع سازهای الکترونیکی، از جمله ریتمی کون که با همکاری کاول ساخت، شهرت فراوانی را کسب کرد. کاول از ریتمی کون برای نوشتن آثار زیادی استفاده کرد.

□ هنگامی که جومیک و هاینز، ریتمی کون را به فرودگاه کرویدون^{۲۲} آورده‌ند، دانشمندان وزارت دفاع امریکا، آن را بررسی کردند.

□ مأموران استالین، ترمین را در ایالات متحده آمریکا ریودند و او را هفت سال زندانی کردند، ولی بعد از آن را به عنوان سریرست تکنسینهای جنگ سرد در وزارت روسیه در مسکو انتخاب کردند.

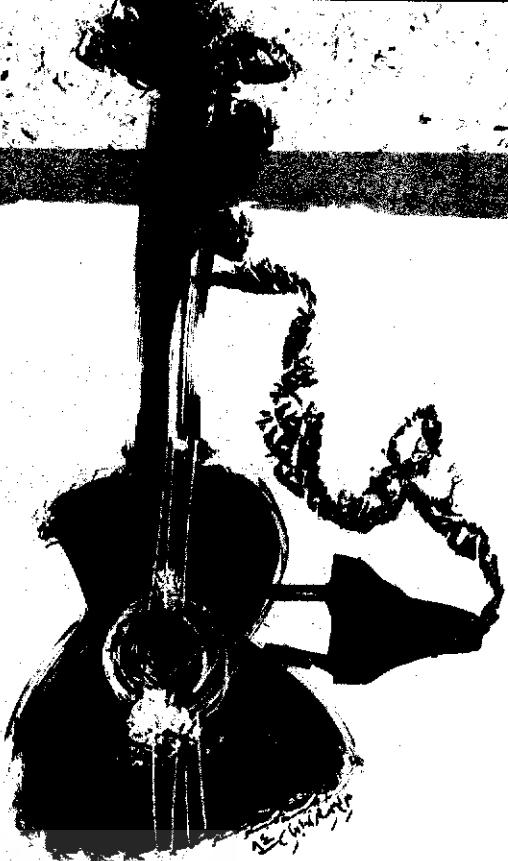
استاک کاتون

این ساز، یکی از سازهای اولیه الکترونیک است که توسط هوگو گرنزبیک^{۲۳} اختراع شد. فرکانس‌های صوتی در این ساز، توسط لوله‌های خلاً ایجاد می‌شدند و صدای تیز و بلندی را به وجود می‌آوردند. کلمه استاک کاتون به معنی جداسازی نتها از یکدیگر و ارتباط نداشتن با هم است. گرنزبیک سعی کرد با استفاده از استاک کاتون، یک ساز الکترونیک پلی‌فونیک بسازد. پلی‌فونی به معنی ترکیب صدای‌هاست. چنین به نظر می‌رسد که گرنزبیک سعی داشت نسخه مدرنی را از یک ساز دوره یاروک^{۲۴} از جمله هارپ سی کورد^{۲۵} پلی‌فونیک بسازد. کسانی که با آثار یوهان سیاستین باخ^{۲۶} آشنا هستند، این نکته را بهتر متوجه می‌شوند. ملودی تم پرلودها و فوگوها^{۲۷} عموماً بین دو صدا یا بیشتر، تقسیم می‌شود. این قطعات را در آن زمان با کلاؤیه می‌نواختند که صدای استاک کاتون را تولید می‌کرد.

پیانوراد

گرنزبیک بعد از پیانوراد را طراحی کرد که توسط کلاید فینیج^{۲۸} در آزمایشگاه‌های رادیوئیز^{۲۹} در نیویورک ساخته شد. پیانوراد برای هر کلید، ۲۵ دستگاه تولید نوسان LC دارد. دستگاه تولید نوسان LC نوعی ژنراتور تولید امواج ارتعاشی است که توسط القا کنندگانها و انباره‌ها کار می‌کند. تنهایی که توسط پیانوراد تولید می‌شوند، بسیار صاف و روشن هستند و هیچ نت اضافه‌ای در آنها شنیده نمی‌شود. باید به این نکته اشاره کرد که صدای پیانوراد کاملاً با هر ساز دیگری تفاوت دارد. احتمالاً در زمان اختراع این ساز، صدای آن به گوش شنوندگانش ناشنا بوده، ولی امروزه اگر این صدای شنیده شوند، به گوش همه بسیار آشنا خواهد بود. پیانوراد از نظر اندازه، ۲۰ اکتاو بود و در ایستگاه رادیویی WRNY نیویورک، همراه با پیانو و ویولن نواخته می‌شد.

مختصر این ساز، هوگو گرنزبیک در سال ۱۸۸۴ در لوکزامبورگ به دنیا آمد و در سال ۱۹۰۵ به آمریکا رفت.



نکات جالبی درباره ریتمی کون

□ این گونه شایع بود که از ریتمی کون در بسیاری از آثار سالهای شصت و هفتاد، از جمله "Atom Heart Moth" ساخته گروه پینک فلوید، "The Crazy World of Arthur Brown" ساخته آرتور براون و "Robot" ساخته تورنادوز^{۳۰}، استفاده شده است. تائج‌بران درین هم در بعضی از قسمت‌های آثارشان، از جمله آلبوم "Rubicon" از ریتمی کون استفاده کردند.

□ گفته می‌شد که کارل روزگاری خانه به خانه، گل می‌فروخت و در همین ملاقاتها یود که با کسانی آشنا شد که بعدها در مطالعات موسیقایی او، حامی اش شدند.

□ هنگامی که ساز ریتمی کون توسط یک تاکسی حمل می‌شد، گروههای ضد ترور، به عنوان شیشه مشکوک به آن حمله کردند.

□ فرد آستر^{۳۱} در صحنه‌ای از فیلم موزیکال "Flying Down to Rio" که به سال ۱۹۳۳ ساخته شد، همراه با موسیقی ریتمی کون، رقصید، اما کمپانی سازنده فیلم به دلیل اینکه این صحنه درخشان، هنر سوپر استار آنها جنیجر راجرز^{۳۲} را عملابی اعتبار می‌کرد، این صحنه را حذف کردند.

□ از ریتمی کون برای ایجاد صدای موسیقایی و افکت برای فیلمهای سینمایی از جمله: دکتر استرنج لا، بارانهای رانچی پور^{۳۳}، جنگ زیرزمین، پاول و پرسبرگرها^{۳۴} ها و سریال آنیمیشن تلویزیونی دهمهای شبستان، تورچی^{۳۵}، پسرک بازی دار، استفاده شد.

اختراع هوگو مارتنو^{۲۶} "Ondes - Martenot" (۱۹۲۶)،
اختراع موریس مارتونو^{۲۷} "Free Music Machine" (۱۹۴۸)،
جمعه موسيقى الکترونیکی دکتر کنت^{۲۸} "Compos-Tron" (۱۹۴۸)،
اختراع آوسمند کندال^{۲۹} "Tron" (۱۹۵۳)،
سینتی سایزر RCA (۱۹۵۶) و سینتی سایزر زیمنس (۱۹۵۹).

اوندس مار نتو

موریس مارتونو^{۳۰} (۱۸۹۸ - ۱۹۶۰)، در پایان جنگ جهانی اول در ایستگاه بی‌سی، سرچوخه بود او در هنگام مخابره پیامها، متوجه خلوص ارتعاشاتی شد که توسط لوله‌های رادیویی گه تازه اختراع شفته بودند. ایجاد می‌شدند این مسئله باعث شد که او در زمینه صدا و الکترونیک تحقیقاتی را شروع کند. در سال ۱۹۲۸، او ساز خود را در اپرای پاریس، به معصرن دید همکن گذاشت. این اولین کنسوتوی بود که پاپک ساز الکترونیک اجرا می‌شد. این ساز مونوکوئنیک بود و صدای شیشه داشت. قرار نبود این ساز نوع جدیدی از موسيقی را پیدا بیبورد بلکه قصد مخترع این بود که آن را به ارکسترهاستی بیفراید.

در سال ۱۹۳۸، مارتونو که اینک استاد کنسرواتوار پاریس بود مارتونی مخصوصی را ساخت که با آن موسيقی میکروشال هندو را ایجاد می‌کرد آهنگسازان زیادی از جمله اولیویه مسین، میلود، وارز، بولز، هلن نگر و امثال آنها، در آثار سمفونیک، اپراه، باله‌ها، موسيقی‌های فیلم و آثار دیگر، با این ساز قطعاتی را ساختند و اجرا کردند. سینتی سایزرها امروزی از نظر کارکرد تا حد زیادی مذیون مارتون هستند.

- | | |
|-----------------------|----------------------|
| 1. Harry Longman | 24. Hugo Gernsback |
| 2. Rhythimicon | 25. Baroque |
| 3. Henry Dixon Cowell | 26. Harpsichord |
| 4. Leon Theremin | 27. J.S. Bach |
| 5. Seeger | 28. Fugue |
| 6. Von Hornbostel | 29. Pianorad |
| 7. Theremin | 30. Clyde Finch |
| 8. Joe Meek | 31. Radio News |
| 9. Telstar | 32. Clavivox |
| 10. Heinz | 33. Raymond Scott |
| 11. Nick Cope | 34. Modular |
| 12. Prin | 35. Mini Moog |
| 13. John Cage | 36. Synclavier |
| 14. Cope | 37. John Buchla |
| 15. Tornadoes | 38. Lee De Forest |
| 16. Tangerine Dream | 39. Hugo Gernsback |
| 17. Fred Astaire | 40. Maurice Martenot |
| 18. Ginger Rogers | 41. Osmond Kendall |
| 19. Ranchipur | 42. Olivier Messiaen |
| 20. Pressburger | 43. Milhaud |
| 21. Torchy | 44. Varese |
| 22. Croydon | 45. Boulez |
| 23. Staccatone | 46. Honneger |

او که در مدارس فنی اروپا تحصیل کرده بود. پس از مهاجرت به امریکا، شرکت واردات الکترونیک را راه اندازی کرد که وسائل ساخت رادیو را از طریق پست می‌فروخت. او بنیانگذار ایستگاه رادیویی WRNY هم بود و غیر از اختراعات مختلف، کتابهای علمی تخلیی زیادی هم نوشت و نشریه "Amazing Stories" را در سال ۱۹۲۶ راه اندازی کرد او در سال ۱۹۶۷ در حالی که بیش از ۸۰ اختراع به نام او ثبت شده بود، درگذشت. گرنزبک را به عنوان پدر ادبیات علمی تخلیی می‌شناسند.

کلاوی فوکس

اولین سینتی سایزر کی بوردی قابل حمل است که توسط ریمند اسکات^{۳۱} در سال ۱۹۵۲ و با استفاده از ترمین رایرت موگ ساخته شد اولین سینتی سایزر مدلار در سال ۱۹۶۴ توسط رایرت موگ و با همکاری والتر کارلوس ساخته شد والتر کارلوس نخستین موسيقی‌دانی بود که در آلبوم شاهکارش که بازسازی آثار باخ با ساز الکترونیک بود از این ساز استفاده کرد.

رایرت موگ در سال ۱۹۷۰، نخستین سینتی سایزر آنلوج تجاری قابل حمل را به نام مینی موگ^{۳۲} ساخت که تاثیر عمده‌ای بر شکل موسيقی پاپ قرن بیست گذاشت. پنج سال بعد، اولین سینتی سایزر دیجیتالی با نام سین کلاویه^{۳۳} و اولین سینتی سایزر کامپل استاندارد (MIDI) به نام یاماها DX7 به بازار آمد سایر سینتی سایزرها معرف در تاریخ این ساز عبارتند از:

Sequential Circuits Prophet 5 *
RMI KCII *
ARP Odyssey *
Korg MS - 20 *
Roland Jupiter 8 *
Fairlight CMI *
EMU Emulator *

کلاوی فوکس

سازهایی هستند که صدای را به وسیله برق و از طریق جریانی به نام سنتر ایجاد می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های آنها، توانایی خلق، برآنمه‌ریزی یا اصلاح صدایهاست. اصول سنتر را نخستین بار لون ترمین در روسیه، در سال ۱۹۱۷ و با اختراع ترمین بنا نهاد و بعدها در فاصله سالهای ۰۰ ویلت موگ و جان بوچلا^{۳۴} آن را تکمیل کردند قبل از اختراع سینتی سایزر موگ که به صورت تجاری فروخته شد، اولین نمونه‌های این ساز عبارتند از: پیانوی Audion اختراع لی دی فارست^{۳۵}،



Wendy Carlos

وندی کارلوس

وندی کارلوس با نام اصلی والتر کارلوس، یکی از بزرگترین و مبتکرترین آهنگسازان در زمینه موسیقی الکترونیک و نوازنده بی نظیر سینتی سایزر، در ۱۴ نوامبر سال ۱۹۳۹ در رود آیلند^۱ به دنیا آمد. او در اواخر سالهای ۱۹۷۰، در حالی که هیچ یک از نوازندگان دیگر سینتی سایزر، موقیتی به دست نیاورده بودند، با اجراهای بدیع خویش، محبوبیت فوق العاده زیادی در میان عامه مردم پیدا کرد.

در همین سالها بود که با اجرای آثاری به نام "Switched-on-Bach" به موقیت شگفت‌انگیزی دست پیدا کرد، اما ناگهان در اوج شهرت، دیگر در مجامع و انتظار حضور پیدا نکرد، با این همه شدیداً به کار ادامه داد و آلبومهای موفقی را منتشر کرد. عدم حضور او در انتظار، به رمز و راز زندگی و فعالیتهای او افزود. این وضع برای یک دهه ادامه پیدا کرد و کسی جز امضای او بر پایین آلبومهایش، خبری از او نداشت.

در سال ۱۹۷۹، او در مصاحبه‌ای با نشریه پلی‌بوي، پرده از این غیبت طولانی برداشت و گفت که در سال ۱۹۷۲ تحت عمل جراحی قرار گرفته و تغییر جنسیت داده است. از آن سال بود که نام او از والت به وندی تغییر یافت. در آن سالها پذیرش چنین امری از سوی جامعه، دشوار بود و از همین رو زندگی برای کارلوس مشکل شد، اما او با طراوت و خلاقیت خاصی که در کارهایش ارائه کرد، به تدریج توانست در قالب جنسیت

جدیدش خود را به جامعه‌هنری یقین‌آورد
او با پنج ساعت موسیقی درخشنان برای فیلم سینمایی

وندی به رغم سرخوردگی از این ماجرا، همچنان به ساختن موسیقی فیلم، از جمله "Tron" انتشار آلبومهای متعدد ادامه داد و با آثار درخشانی چون "Digital Moons Capes", "Beauty in the Beast", "Alfa", "Beta" و "Gamma"

بسیار موفقی را برای خود پدید آورد. اثر نخستین او، "Switched on Bach" در واقع نخستین اثر در زمینه موسیقی کلاسیک است که به تمامی با سینتی سایزر اجرا شده است. او آثار کلاسیک بی‌شماری را با این ساز، به دنیا عرضه کرده است. آثار او در دوره‌ای که هنوز تغییر جنسیت نداده بود، با عنوان "W.Carlos" منتشر شدند

Pierre Schaeffer

پیر شافر

حف سیندر

نگرفت، اما چهار تاثیر مهم آن را نباید انکار کرد:
۱) امکان استفاده از فرآیندی تکنولوژیک در ساخت یک قطعه موسیقی.

۲) امکان چند بار اجرای یکنواخت یک قطعه.

۳) اجرای مجدد قطعه منوط به نوازنده نیست.

۴) عناصر کار، «واقعی و متصل به هم» هستند.
شافر فر، سیس دست به کار دیگری زد و با نواختن قطعات موسیقی با سرعتهای گوناگون، تأثیر مهمی بر مفاهیمی چون گام و فاصله گذاشت و "Etudes" را در سال ۱۹۴۸ ارائه کرد.

در اکتبر سال ۱۹۴۸، "Etudes" از شبکه تلویزیونی "RTF" پخش و ناگهان توجه جهانیان به این موسیقی جدید جلب شد. از آن پس شافر فر در سمپوزیومهای مختلفی در سراسر فرانسه و جهان شرکت کرد تا شیوه کار خود را برای همگان توضیح بدهد.

در سال ۱۹۵۱، "RTF" استودیوی جدیدی را اختیار او گذاشت. این استودیو دستگاه ضبط هم داشت. این دستگاه ابزار بسیار مهمی برای ثبت آثار مبتکرانه شافر فر شد.

شافر فر، آرا و تجرب خود را در کتابی به نام جستجو برای یک موسیقی مطلق نوشت و در آن دقایق ظریفی را در مورد آغاز موسیقی الکترونیکی بیان کرد. بسیاری از آهنگسازان معاصر وی از جمله میل-هود، بولز و حتی اشتوكها وزن تحت تأثیر شدید او بوده‌اند. بسیاری از آنها به استودیوی او رفتند و از وسائل آنجا برای خلق آثارشان استفاده کردند. شافر فر، در سال ۱۹۵۱ در اثر بیماری آزالایمر درگذشت. از او به عنوان «موسیقیدان صدایها» نام می‌برند.

1. Milhaud
2. Boulez

3. Stockhouse

همچون بسیاری از پیشگامان موسیقی الکترونیکی، شافر فر هم موسیقیدان نبود. او فارغ‌التحصیل دانشکده پلی‌تکنیک پاریس بود و در تلویزیون فرانسه، به عنوان مهندس الکترونیک، گرایش تلویزیون و رادیو، کار می‌کرد. در دوره اشغال فرانسه توسط نازیها، در نیروی مقاومت فرانسه خدمت کرد. او به عنوان نویسنده و شرح حال نویس نیز از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است. در سال ۱۹۴۲، در سن ۳۲ سالگی، مدیران شرکت "RTF" را که تحت اشغال نیروهای آلمانی بود، ترغیب کرد که در زمینه موسیقی آکوستیک، تحت مدیریت او، شروع به فعالیت کنند. او می‌توانست برای پیشبرد، تحقیقات از ابزار مختلفی که در اختیار استودیوی "RTF" استفاده کند. این استودیو، ابتدا "Studio d'Essai" نام داشت و بعدها به "Club d'Essai" تغییر نام داد.

شافر فر، ماهها و قوش را صرف کسب تجربه با تکنولوژی‌ای که در اختیارش قرار گرفته بود، کرد. تحقیقات او سرانجام منجر به کشف نوعی موسیقی شد که در آن اصواتی که مبتنی بر اصوات طبیعی بودند، ضبط می‌شدند و سپس از آنها در متن موسیقی‌های متدالوں استفاده می‌شد.

در سال ۱۹۴۸، او از تأثیر سازهای کوبه‌ای در موسیقی به شکل متفاوتی بهره گرفت. در ۲۳ آوریل این سال، متوجه شد که می‌توان سازی را اختصار کرد که تمام اصوات موجود در یک ارکستر را به تنهایی تولید کند. او همچنین در نخستین اثر رسمی خود، کنسرت برای لکوموتیوها، برای نخستین بار از صدای سوت قطار بخاری، حرکت چرخهای قطار روی ریل و صدای قطع و وصل و اگنها به یکدیگر استفاده کرد. هر چند این اثر او به عنوان یک اثر تجربی شناخته شد و کسی آن را جدی

Vangelis

وَنْجَلِيز

الکترونیک، چند سر و گردن بالاتر از دیگران قرار گرفت. او با ساختن موسیقی فیلمهای "Missing", "The Bounty", "Antarctica" و انتشار دو آلبوم با همکاری یان اندرسون^۱ آرام و مطمئن، مسیر درخشان موسیقایی خود را ادامه داد. کارهای بعدی او، "Mask", "Soil Festivities", "Invisible Connections" نیز با استقبال فراوانی در سطح جهان روبرو شدند.

در سال ۱۹۸۶، با آشنازی با موسیقی کشورهای جهان سوم تحول شگفت‌آوری در آثار او پدید آمد. او برای رویدادی ورزشی که همزمان در سراسر جهان اتفاق می‌افتد، "Race Against Time" آلبوم "Direct" منتشر شد که استعداد خارق‌العاده و نجلیز را در ایجاد ارتباط سریع و مستقیم با مخاطب‌ش نشان داد. و نجلیز در سال ۱۹۹۶ آلبوم "A Tribute to EL Greco"^۲ منتشر شد که از استعداد خارق‌العاده و نجلیز را که فقط در یونان پخش شده است، صرف برای خرد آثار ال گریکو^۳ توسط موزه یونان ساخته است. و نجلیز در یکی از بارآورترین دوره‌های زندگی اش، آهنگهای درخشانی را برای پسر عمومی دمیس روسوس^۴ که از برجسته‌ترین خوانندگان یونان است، ساخت. موقفيت بی‌نظیر دمیس روسوس، سرمایه کافی را برای و نجلیز فراهم آورد، تا بتواند استودیویی را پیچیده‌ترین سینتی‌سایزرها بسازد. او خانه‌ای قدیمی را در لندن خرید و استودیوی محظوظ خود "Nemo Studio"^۵ را بنانهاد و بخشی از بهترین کارهایش را ساخت. او با بهره‌گیری از مضماین انجیل و با همکاری، RCA اثر درخشانش "Heaven and Hell"^۶ را در استودیوی که هنوز ساختمنش نیمه کاره بود و کارگران مشغول کار بودند، ساخت، اثری که در موسیقی الکترونیک، از جمله شاهکارهای بی‌نظیر است و مضماین روحانی در آن به صورتی بسیار عاطفی و رمزآلود اجرا می‌شوند. در این اثر صدای خواننده زن و همسرایان به شکلی منحصر به فرد و بدیع، در کنار سازهای کوبه‌ای و سینتی‌سایزرها، اثری کامل را به وجود آورده‌اند.

بزرگ‌ترین مزیت و نجلیز نسبت به تمامی کسانی که در موسیقی الکترونیک به خلق اثر پرداخته‌اند، این است که موسیقی او برخلاف موجی که از آلمان سرچشمه گرفت و به سوی سایر نقاط سراسری شد، موسیقی سرد و وهمانگیز و دلهره‌آوری نیست، بلکه نوعی آرامش، عرفان و روحانیت در آثار او به چشم می‌خورد که به موسیقی الکترونیک، شأن موسیقی ارکسترال را داده است.

ایوانجلوس اودیس سئوس پاپاتاناس سیوس^۷ معروف به و نجلیز، آهنگساز نابغه یونانی، از سن چهار سالگی، در حالی که هنوز خواندن و نوشتن نمی‌دانست و تنها را تشخیص نمی‌داد، به ساختن آهنگ پرداخت. او موسیقیدانی خود ساخته است. در اواسط سالهای ۶۰ در گروه پاپ "Aphrodite's child" و گروه پاپ پیشروی "Formynx" فعالیت می‌کرد. از سوی گروه "yes" دعوت شد تا جای نوازنده کی بورد، ریک ویک من^۸ را بگیرد، اما او این دعوت را رد کرد تا در بهبود خلاقیت و سبک خود بکوشد.

نخستین اثری که و نجلیز را به شهرت ناگهانی رساند، موسیقی سریال مستند تلویزیونی "Cosmos"، به کارگردانی کارل ساگان^۹ دانشمند معتبر و مشهور ناسا^{۱۰} بود. او نویسنده مشهوری نیز بود و جایزه ادبی پولیتزر^{۱۱} را به دست آورده بود.

ونجلیز در سال ۱۹۸۲، برای موسیقی فیلم "Chariots of Fire"^{۱۲} جایزه اسکار دریافت کرد و نشان داد که جوانی بسیار خلاق است و برخلاف بسیاری از همکارانش در موسیقی الکترونیک، از سینتی‌سایزر، سازی را ساخت که شان آن کمتر از یک ارکستر نیست. موسیقی جام جهانی فوتبال را در سال ۲۰۰۲ نیز ساخت.

ونجلیز در مصاحبه‌ای گفته است: «من واسطه‌ای هستم که موسیقی از طریق من، از میان هیاهوی صدایها سربرمی‌آوردم، و گرنه این من نیستم که موسیقی را می‌سازم. در واقع موسیقی است که مرا مدیون خود می‌کند!»

از آنجا که او در آموختن موسیقی، هرگز استادی نداشت و کمترین اطلاعی در مورد نتویسی ندارد، همه آثارش را فی الدهاه و با کمک سینتی‌سایزر می‌نواید و ضبط می‌کند. بدون سینتی‌سایزر، او هرگز نمی‌توانست آثار بدیعش را که نیاز به ارکستر کامل دارد، خلق کند.

ونجلیز هنگامی به موسیقی الکترونیک اعتبار و ارزش جهانی بخشید که همه همکارانش به موسیقی پاپ تجاری روی آورده بودند. او پس از دریافت نخستین اسکارش، در ظرف چند ماه، بیش از ۵۲ پیشنهاد ساخت موسیقی فیلم را دریافت کرد، ولی برخلاف اغلب هتلمندان دنیا، او راه ساده پول درآوردن را کنار گذاشت و فقط به حس خود اعتماد کرد و در نتیجه در عرصه دشوار موسیقی

1. Evangelos Odysseus
Papathanassiou
2. Rick Wakeman
3. Carl Sagan
4. NASA

5. Pulitzer
6. Jam Anderson
7. EL Greco
8. Demis Roussos

Jean -Michel TARRÉ

ژان-میشل تاره

موسیقی معاصر و موسیقی تجربی فعالیت می کرد. ژان-میشل ژار بهزودی در زمینه موسیقی الکترو-آکوستیک متخصص شد و ثابت کرد که در این زمینه، موسیقیدان و آهنگساز بی نظیری است.

پس از کسب تجربه های بالارش در "GRM". ژان-میشل همه وقت و انرژی خود را صرف نوآوری در زمینه موسیقی الکترونیک کرد و در سال ۱۹۷۱ آلبوم "La Cage" را منتشر ساخت که شامل آثاری در زمینه موسیقی الکترو-آکوستیک بود. سال بعد خانه ایرای پاریس از او دعوت کرد که از این نوع موسیقی برای همراهی با حرکات موزون استفاده کند که در نوع خود بسیار بدین بود. او در عین حال که در خلوت خود، به کسب تجربه در زمینه آهنگسازی با سازهای الکترونیک ادامه می داد، در موسیقی فرانسه، به عنوان سازنده موسیقی فیلم و همچنین سازنده آهنگ برای خوانندگان معروف و شناخته شده، شهرت و ثروت فراوانی را به دست آورد. در سال ۱۹۷۲، دومین آلبوم خود را به نام "Deserted Palace" در سال ۱۹۷۳ "Les mots bleus" و "Que Vas-tu Faire" را منتشر ساخت.

اکسیژن "Oxygene" در اوت سال ۱۹۷۶ منتشر شد و در موسیقی جهان تحول عظیمی را به وجود آورد. این آلبوم، مقام پر فروش ترین آلبوم صادراتی فرانسه در کل تاریخ موسیقی آن کشور را به دست آورده و ژان-میشل ژار، یک شبه تبدیل به یک فوق ستاره بین المللی شد. دو سال بعد، او با الهام از دنیای زیر دریاها، آلبوم درخشان "Equinoxe" را عرضه کرد. در ۱۴ جولای ۱۹۷۹، ژان-میشل در پاریس کنسرتی را برگزار کرد که بیش از یک میلیون تن را به خود جلب کرد و نام او را در کتاب برترین ها، "Guinness"، به عنوان برپینده ترین مجری برنامه های زنده موسیقی دنیا به ثبت رساند و تکلیف او را برای ۲۰ سال آینده روشن کرد. در همین سال انجمن فرانسوی ترانسرایان و آهنگسازان

نانه فرانسوی موسیقی الکترونیک که تقریباً به تنهایی، بار موسیقی فرانسه را در این عرصه به دوش کشید، تعدادی از موفق ترین و مبتکرانه ترین قطعات موسیقی الکترونیک را به جهان عرضه کرده است. او یکی از موفق ترین هنرمندان فرانسوی در تمام ادوار است و کنسرتهای مختلف او در سراسر جهان از موفقیتهای حیرت اوری برخوردار بوده‌اند، به طوری که در سپتامبر سال ۱۹۹۷ در مسکو، جمعیتی معادل ۳ میلیون نفر، برای شنیدن کنسرت او آمدند که رقمی تکرار نشدنی و حیرت آور است. او با نیوگی نظریش، در سالهای ۱۹۷۰، موسیقی فرانسه را در رأس جدول موسیقی جهان قرار داد و همان گونه که خود پیش‌بینی کرد، بود به سوپر استار بین‌المللی تبدیل شد.

ژان-میشل ژار در ۲۴ اوت سال ۱۹۴۸ در لیون، فرانسه به دنیا آمد. پدر او موریس ژار از بزرگان موسیقی فیلم و سازنده آثار بی نظیری چون موسیقی فیلمهای لورنس عربستان، دکتر زیواگو، محمد رسول الله (ص) و... به همراهی همسر هنرمندش، فرانسیس پزو، پسرش را تشویق کرد که از دوره کودکی به آموزش موسیقی پردازد. ژان در چنین محیطی با ظرایف موسیقی آشنا شد و از سن ۵ سالگی به نواختن پیانو پرداخت و چنان استعداد شگرفی از خود نشان داد که در سنین جوانی در کنسرتوار بسیار معتبر پاریس پذیرفته شد. او در این کنسرتوار، به موسیقی کلاسیک تسلط کافی پیدا کرد و میس در بی کشف زمینه های جدید در موسیقی، به همکاری با گروههای راک و جاز فرانسه پرداخت.

او در سال ۱۹۵۳، از خانواده اش جدا شد و به امریکا رفت تا مسیری کاملاً متفاوت با شیوه پدر را در موسیقی دنبال کند. این جستجوها سرانجام تتجه دادند و ژان میشل در سال ۱۹۶۸ موسیقی الکترونیک را کشف کرد. او که از این کشف، فوق العاده هیجان زده شده بود، در این سال "Musical Groupement de Recherche" یا "GRM" را بنیاد نهاد. این مرکزی تحقیقاتی به نام "Musical Groupement de Recherche" یا "GRM" را بنیاد نهاد. این مرکزی تحقیقاتی به نام "Musical Groupement de Recherche"

یان اندرسون

ترجمه: ندا شاهنژاد

یان روی اندرسون، نخستین بار فعالیت خود را در گروه انگلیسی کوچکی به نام "The Warriors" در اواسط سالهای ۱۹۶۰ آغاز کرد. در اواخر این دهه، او و نوازنده گیتار باس، کریس اسکوئیر "Chris Squire" گروه راک پیش روی "yes" را تشکیل دادند. این گروه برای یازده سال آینده، از موقوفیتی حیرت‌انگیز برخوردار شد. در سال ۱۹۸۰، بر سر اختلافات طولانی در مورد خط مشی گروه در موسیقی، آن را ترک کرد و چندین سال، در آلبومهای مبتکرانه‌ای با آهنگساز یونانی، ونجیلز، همکاری کرد و همزمان، آلبومهای تکنووازی بی‌شماری را منتشر ساخت. در سال ۱۹۸۳، بار دیگر به گروه "yes" که بازسازی شده بود، برگشت و اثر بسیار موقوفی به نام "Owner of a Lonely Heart" را پدید آورد. در اواخر سالهای ۱۹۸۰، بار دیگر برای مدت کوتاهی، از همکاری با گروه "yes" امتناع کرد، اما پس از بازگشت به گروه، تاکنون آثار ارزشمندی را در زمینه موسیقی الکترونیک عرضه کرده است.

ایان نیس زناکیس

ترجمه: مریم لاهه مطلق

ایان نیس زناکیس، هر چند برای بسیاری از اهالی موسیقی، نام آشنایی نیست، اما بی‌تردید در موسیقی قرن بیستم، از اهمیت فوق العاده بالایی برخوردار است. اودر سال ۱۹۲۲ در برایلای¹ رومانی به دنیا آمد. لوکربوزیه، معمار شهری فرانسوی او را «تابغه سه کاره»² می‌نامد (منتظر او مهندس، آهنگساز، معمار است). این نبوغ، سرانجام در موسیقی، به‌طرز شگفت‌انگیزی جلوه کرد و توسط تکنیک‌های الکترونیکی و ریاضی به کار گرفته شد. نخستین اثر موسیقی او "Metastasis" هرچند کاملاً با کامپیوتر ساخته نشد، ولی نخستین نشانه‌های خلق موسیقی توسط کیبورد را در خود داشت. مهم‌ترین جنبه در موسیقی زناکیس، کاربرد ریاضیات در آن است. آثار او در موسیقی که با سازهای زهی نواخته می‌شوند، به‌طرز عجیبی با محاسبات هندسی او در معماری مطابقت دارند. تغییراتی هم که او در فواصل گامها و نتها پدید آورد، به‌طرز بدیعی بر مبنای محاسبات دقیق ریاضی صورت گرفته‌اند. هدف او در موسیقی، به کارگیری قدرت تخیل شنوندگان بود.

فرانسه، مدل طلای هنر را به او تقدیم و از او به خاطر جهانی کردن موسیقی فرانسه تجلیل کرد. در اکتبر سال ۱۹۸۱، زان-میشل ژار به عنوان نخستین آهنگساز غربی اجازه پیدا کرد در چین کنسرت بدهد. او دو سال تمام با مقامات چینی مذکوره کرد تا سرانجام چین مجوزی را گرفت. استقبال چینیها از کنسرت ژار، نه تنها مقامات چینی، که مردم دنیا را حیرت‌زده کرد. ژار آثاری را که در پکن اجرا کرده بود، در آلبومی به نام "Les Concerts en chine" در سال ۱۹۸۲ منتشر ساخت.

او که اینک از ثروت هنگفتی برخوردار بود بخش اعظم آن را به حمایت و آموزش جوانان و نوجوانان موسیقیدان فرانسوی اختصاص داد. چهارمین آلبوم او به نام "Zoolook" از استقبال جهانی شفقت‌آوری برخوردار شد و جواب‌بی‌شماری از جمله "Victoire de la Musique" را نصیب لو کرد. این آلبوم با آثار قبلی او بی‌نهایت تفاوت داشت و شامل نواها و صدایی بود که اودر مسافرت‌های بین‌المللی، کشف و سپس به صورت آوای انسانی "Vocal" اجرا و ضبط کرد.

در سال ۱۹۸۶، زان-میشل ژار به مناسبت صد و پنجاه‌مین سالگرد ایجاد ایالت تکزاس و بیست و پنجمین سالگرد تأسیس سازمان فضایی امریکا (ناسا)، در مراسم باشکوهی در هوستون و با حضور بیش از یک نیم میلیون تماشاجی، به اجرای برنامه پرداخت.

در سال ۱۹۹۰، با تغییری کلی در شیوه موسیقایی خود، به جزایر کارائیب سفر کرد و آلبوم جدیدش را به نام "En attendant Cousteau" منتشر ساخت. در سال ۱۹۹۳، یونسکو او را به عنوان سفیر خیر خواهی خود برگزید و او با اجرای کنسرتهاي میلیونی، توانست نقش تازه‌اش را به شایستگی ایفا کند. در سال ۱۹۹۴ مهم‌ترین مدل افتخار فرانسه را از رئیس جمهور آنچا دریافت کرد. در همین سال به خواهش یونسکو و به مناسبت «سال بربداری» مجموعه‌ای از کنسرتهاي اجرا کرد و در آنها تمدن‌های موسیقایی همه دنیا را زیر طاق برج ایفل به نمایش گذاشت. در این کنسرتها، خواننده معروف الجزایری، خالد، قطعات بی‌نظیری از موسیقی افریقا و همچنین موسیقی عرب را همراه با او اجرا کرد.

در سال ۱۹۹۸، زان، شاهکار جدیدش را با عنوان "Odyssey Through O" ۲ منشر کرد. کنسرتهاي ژار در نقاط مختلف جهان از نوآوریهای شگفت‌انگیزی برخوردار بوده و پیوسته جمیعتهای میلیونی را به سوی خود کشیده‌اند. چنین امری در تاریخ موسیقی نظیر ندارد.

1. Lyon
2. Francette Pejot

3. Maurice Jarre

حیرت‌انگیز بودند. کیتاو در امریکا، هنرمندی ناشناخته بود تا در سال ۱۹۸۶، کمپانی ضبط موسیقی جفن^۱ با او قرارداد بست و هر هفت آلبوم قبلی او را ضبط و در سراسر جهان پخش کرد. در همین دوره بود که آلبوم درخشان "The Light Of The Spirit" با همکاری میکی هارت^۲ ارائه شد. موسیقیدانهای امریکایی بشدت تحت تأثیر این اثر قرار گرفتند و جایزه مشهور گرمی^۳ را به عنوان بهترین اجرای موسیقی دوران جدید به او دادند. در همین سال، کیتاو، تور موسیقی خود را در امریکا آغاز کرد و توانست فقط در این کشور بیش از دو میلیون آلبوم خود را بفروشد.

سبک کیتاو به مرور زمان نمایشی و از معصومیت و پاکی اولیه خود دور شد. آثار اخیر او، گرایش وی را به عناصر راک و پاپ نشان می‌دهند، همان عناصری که در اواخر سالهای ۷۰، او را به خود جذب کرده بودند. در سال ۱۹۹۸، برای تناتر برادوی^۴ اثری به نام "Cirque Ingenieux" را ساخت و همچنین موسیقی فیلمی را به همین نام منتشر کرد. در همین سال برای نمایش چینی سونگ سیسترز^۵ موسیقی ساخت که از استقبال خوبی برخوردار شد.

- 1. Otis Redding
- 2. Klaus Schulz
- 3. Geffen
- 4. Mickey Hart

- 5. Grammy
- 6. Broadway
- 7. Soong Sisters

تاجیر بن دریم
ترجمه: الله صفوی

بی تردید آثار تاجیر بن دریم در فاصله سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ بیشترین تأثیر را بر موسیقی الکترونیک، از موسیقی آتمسفریک تا موسیقی فضایی و رقص الکترونیک گذاشته‌اند.

این گروه در سال ۱۹۶۷ توسط ادگار فروئر^۶ در برلین تشکیل شد و تحت تأثیر حرکت مینی‌مالیستی در هنر جهان در اواخر سالهای ۶۰ و اوایل سالهای ۷۰، توانست حرکتی را در موسیقی ایجاد کند که تأثیر آن تاکنون عرصه موسیقی دنیا را در اختیار خود گرفته است. فروئر در سال ۱۹۴۴ در تیلیست^۷ در شرق پروس به دنیا آمد. او در دوره جوانی علاقه‌ای به موسیقی نداشت و پیوسته به دنبال کشف الهام‌هایی بود که از طریق مکاتب دادائیسم و سورئالیسم در هنرهای مختلف، مخصوصاً نقاشی، مطرح شده بودند. به ادبیات نیز علاقه فراوانی داشت و آثار گرتروود استاین، هنری میلر و والت ویتمان

در سال ۱۹۵۵، پس از ارائه "Metastasis"، مقاله‌ای را با عنوان «بحران موسیقی سریالی» ارائه کرد و در آن روش‌های منطقی خود را در زمینه آهنگ‌سازی بیان و آهنگ‌سازی توسط کامپیوتر را، به عنوان راهی نوین برای گستردن افقهای موسیقی، مطرح کرد. با این همه، موسیقی زناکیس، تلقیقی از موسیقی الکترونیک و موسیقی انسانی است. نتها از طریق ابزار الکترونیکی تولید می‌شوند، ولی هنوز این انسان است که آنها را می‌نوازد. در سال ۱۹۵۸، آثاری چون "Analogiques ATB"^۸ و "Concret P.H.II"^۹ و "Diamorphoses II"^{۱۰} را ارائه کرد. امروزه او را به عنوان آهنگ‌ساز سازهای سنتی می‌شناسند، هر چند تأثیر او بر دنیای موسیقی الکترونیک، مورد تردید نیست. او مدت‌ها در دانشگاه ایندیانا امریکا، شیوه‌های خاص آهنگ‌سازی خود را آموزش داد. بسیاری از کسانی که بعدها در زمینه موسیقی الکترونیک دست به ابتکاراتی زده‌اند، به شکل مستقیم یا غیر مستقیم از آرای او استفاده‌های فراوان برده‌اند.

1. Braila

2. Le Corbusier

کنارو

ترجمه: شهرزاده

کیتاو و نبغ خارق العاده او، نخستین بار از طریق موسیقی سریال مستند جاده ابریشم به جهانیان شناسانده شد. سبک خاص او بسیار خلاقانه، بدیع و ملودیک بود و استفاده ویژه او از سینتی‌سایزر، او را به محبوب‌ترین موسیقی دان ژاپنی در دنیا تبدیل کرد. او در دبیرستان به صورت خودآموز، نواختن گیتار را تحت تأثیر موسیقی اوتیس ردینگ^{۱۱} آموخت. در اوایل سالهای ۷۰، گروه موسیقی خانوادگی شرق دور را تشكیل و با آن دو آلبوم پیشوای راک را ارائه داد. در سال ۱۹۷۲، در سفری به اروپا، بانوازندۀ سینتی‌سایزر آلمانی، کلاوس شولز^{۱۲} ملاقات کرد. کیتاو به شدت تحت تأثیر ساز او قرار گرفت و اولین سینتی‌سایزر خود را ساخت و انواع صدای را با آن تجربه کرد. اولین آلبوم تکنوازی او به نام "Astral Voyage" در سال ۱۹۷۸ منتشر و بلافضله با استقبال فراوانی از سوی مردم، روبه رو شد. دو سال بعد، او نخستین موسیقی متن فیلم خود را به نام جاده ابریشم ساخت که آغاز خلق آثار بسیار درخشانی در زمینه موسیقی فیلم بود و در سطح جهان طرفداران بی‌شماری را برای او دست و پا کرد. ملودیهای کیتاو برای گوش شنوندگان سراسر دنیا ناآشنا، بدیع، لطیف و

برخوردار بودند که آثار این نبوغ را می‌توان در آلبوم‌های "Tangram" (۱۹۸۰)، "Poland" (۱۹۸۳)، "Flashpoint" (۱۹۸۴)، "perborea" (۱۹۸۲)، "Near Dark" (۱۹۸۷) و "Legend" (۱۹۸۶) احساس کرد.

ترددیدی نیست که این گروه در دوران اوج فعالیت خود، تأثیر بی‌نظیری بر موسیقی الکترونیک گذاشت و راه را برگرهای بعدی گشود.

1. Edgar Froese
2. Tilsit
3. Kurt Herkenberg
4. Larse Hapshash
5. Voker Hombach
6. Charlie Prince
7. Conral Schnitzler

8. Klaus Schulze
9. Christopher Franke
10. Steve Schroeder
11. Peter Baumann
12. Virgin, Phaedra
13. Moog
14. Sequencer

بنک فلوبید

ترجمه: فخری خادم العلماء

در اواسط دهه ۶۰ در انگلستان تحولی اعجاب‌آور در زمینه موسیقی الکترونیک به وقوع پیوست و گروه بنک فلوبید متولد شد. این گروه به شیوه‌ای بسیار پیشرو و با نبوغی خارق‌العاده، به موسیقی الکترونیک مفاهیم بدیع هنری را افزود و آن را به شکلی کاملاً جدی در عرصه موسیقی جهان عرضه کرد. دانشجویان معماری نیک میسون، ریچارد رایت^۱ و راجر واترز^۲ به همراهی سید پاروت این گروه را بنیان نهادند.

آنها نخستین گروه موسیقی الکترونیک بودند که به شهرتی جهانی دست یافتدند، زیرا بسیار خوب می‌دانستند چگونه سبک موسیقایی خود را بیان و از آن با شیوه‌های بدیع هنرمندانه دفاع کنند. آنها در سال ۱۹۶۷ با نخستین آلبوم خود به نام "Piper at Gates of Dawn" فعالیتهای درخشان خود را آغاز کردند. در سال ۱۹۶۹ آلبوم "Ummagumma" را منتشر ساختند.

1. Nick Mason
2. Richard Wright

3. Roger Waters
4. Sid Barret

جفری کر بکر

ترجمه: زهرا رضایی

جفری کریگر، نوازنده و استاد اجرای موسیقی نوین و برنده جوایز متعدد موسیقی، به عنوان تکنواز اصلی

را با علاقه فراوان مطالعه می‌کرد. در اواسط سالهای ۶۰ در زادگاه سالادور دالی در اسپانیا، مجموعه ارزشمندی از تحقیقات، کتابها، گزارشها و هر چه را که در مورد این نقاش نابغه، منتشر شده بود، گردآوری و ارائه کرد. از این دوران بود که او ذوق سرشار ادبی و هنری خود را به زبان موسیقی بیان کرد. در سال ۱۹۶۶ فعالیت موسیقی خود را با گروهی به نام "The Ones" آغاز کرد که تا آن سال فقط یک آلبوم موسیقی منتشر کرده بودند. در سال ۱۹۶۷، به همراهی کورت هرکنبرگ، نوازنده پاس، لائز هاپ-شن^۳ نوازنده درام "drum"، و کر هومباخ^۴ نوازنده فلوت و چارلی پرینس^۵، گروه تانجرین دریم را تشکیل داد. این گروه همزمان با گروههای اسید راک امریکایی، برنامه‌های خود را در رویدادهای دانشجویی مختلف در برلین اجرا کرد. در سال ۱۹۶۹ فروئر، نوازنده سازهای بادی، کنراد اشتایتزلر^۶ و نوازنده درام، کلاوس شولز^۷ را به خدمت گرفت. نخستین آلبوم جدید گروه با مشارکت این سه تن، با عنوان "Elec-tronic Meditation" در سال ۱۹۷۰ منتشر شد. در این آثر، کی بورد و بسیاری از سازهای استاندارد و بسیاری از اشیای خانگی، به طرز بدیعی به کار گرفته شدند و فضای موسیقایی عجیبی را پدید آورند.

شولز و اشتایتزلر، در اوخر سال ۱۹۷۰، برای ادامه تکنسوایزی، گروه را ترک کردند و فروئر، این بار از کریستوفر فرانک^۸، نوازنده درام و استیو شرودر^۹، نوازنده ارگ، بهره گرفت. شرودر در سال بعد گروه را ترک کرد و ارگ‌نوای متبحر، پیتر باومن^{۱۰} جای او را گرفت. با حضور او، گروه شکل پایدارتری گرفت و فعالیت آن تا سال ۱۹۷۷ که پیتر گروه را ترک کرد، ادامه یافت.

نخستین آلبوم موسیقی گروه برای ویرژین، فائدرا^{۱۱} نه تنها آغازی شگفتانگیز برای گروه، بلکه جهشی ناگهانی برای موسیقی بود. گروه در این آلبوم از سینتی‌سایزرهای موگ^{۱۲} و سکوئنسر^{۱۳} برای نخستین بار استفاده کرد. فائدرا توانست در انگلستان به عنوان پر فروش ترین آلبوم مطرح شود و گروه تانجرین دریم را به شهرت جهانی برساند.

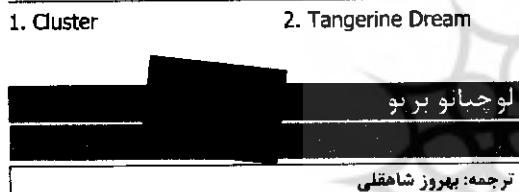
به مرور زمان، موسیقی گروه به موسیقی پاپ نزدیک شد، به طوری که در سال ۱۹۸۹، موسیقی آنها کم و بیش برچسب موسیقی سنتی پاپ به طرز گسترهای از این زمان بود که گروههای پاپ به طرز گسترهای از سینتی‌سایزر و سایر سازهای الکترونیکی استفاده کردند. در سالهای بعد، گروه فقط در زمینه موسیقی فیلم، پیشگامی خود را حفظ کرد. اعضای گروه به رغم دگرگونی تدریجی خود، هنوز از نبوغ و نوآوری فراوان

ارکستر سمفونیک هارتفورد؛ از تکنوازان نسل جدید است که تکنولوژی، یعنی کامپیوتر و ویدئو را در خدمت موسیقی گرفته‌اند. او که در سال ۱۹۹۳ از سوی مؤسسه هنرهای ملی آمریکا به عنوان تکنوازان مهمان دعوت شد، سفرهای خود را به سراسر آمریکا آغاز و موسیقی بدیع خود را در آنجا ارائه کرد.

او در مکانهایی چون مدارس ابتدایی و مهد کودکها، دانشگاه‌ها، جشنواره‌های موسیقی، گروههای سیار و موزه‌ها، به اجرای برنامه میردازد. بعضی از آثار موفق او در تئاتر ایالتی نیویورک در مرکز باله لین کلن، مؤسسه موسیقی کلیولند، موزه هنرهای بالتیمور، دانشگاه بین المللی فلوریدا در میامی، دانشگاه‌های ویرجینیا، آیوا، آلاما، کانکتیکت، کنسرواتوار موسیقی سان فرانسیسکو، تالار کنسرت مرکین^۱ و بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز موسیقی معتر جهان و بهویله آمریکا اجرا شده‌اند. در سال ۱۹۸۸ برای اجرای موسیقی در سیموزیوم هنرهای الکترونیک موزه هنرهای معاصر شیکاگو انتخاب شد.

او از بسیاری از آثار آهنگسازان شهری جهان از جمله لویی آندریس سن، جان کیچ، الوبن لوسیه، کائیجا ساریاهو،^۲ مورتون سلبوتینیک، پیتر اشتلهورپ^۳ و دونالد ارب^۴ در قطعات موسیقی خود بهره گرفته و آنها را به شکلی بدیع در قالب موسیقی الکترونیک ارائه داده است.

او برای ارائه آثاری بدیع در زمینه موسیقی الکترونیک از شورای آهنگسازان مینه‌سوتا، دولت کانادا، بنیاد راکفلر، بنیاد اندی وارهول^۵، مجمع فرهنگی ماساچوست و بنیاد نیو انگلند^۶ کمکهای مالی ارزشمندی را دریافت کرده است. او بیش از ۴۰ اجرای موفق داشته که بسیاری از آنها جوایز ملی را برده‌اند.



ترجمه: بهروز شاهقلی

لوچیانو بریو در سال ۱۹۲۵ در اونگلیا (نام امروز ایمپریا)^۷ ایتالیا به دنیا آمد. مطالعات موسیقی‌ای خود را نزد پدر و پدریز رگش که هر دو نوازنده ارگ و آهنگساز بودند، آغاز کرد و نزد آنها هارمونی، کنتریوآن و پیانو را آموخت.

در سال ۱۹۴۵، وارد کنسرواتوار میلان شد و آهنگسازی را زیر نظر جی.سی.پاری بنی^۸ و جی.اف. گدینی^۹ آموخت و در سال ۱۹۵۱ فارغ التحصیل شد. در این زمان بود که با آثار شوئنبرگ، استراوینسکی، و برن، هیندمیت^{۱۰} و بارتونک^{۱۱} آشنا شد.

در سال ۱۹۵۴، استودیویی را در مرکز رادیو تلویزیون ایتالیا در میلان بنانهاد و تا سال ۱۹۶۱ آن را اداره کرد. در سال ۱۹۵۶، نشریه "Praemium Imperiale" را اهاندازی کرد. در فاصله سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۲، دورهایی آموزشی را در کالج میلز^{۱۲} در اولکلند^{۱۳} آمریکا، دانشگاه هاروارد، دانشگاه کمبریج و مدرسه موسیقی جوئیل لیارد^{۱۴} در نیویورک، راهاندازی کرد و در سال ۱۹۷۴ مدیریت مدرسه موسیقی آکوستیک را در پاریس را به عهده گرفت.

در سال ۱۹۸۰، دانشگاه لندن و در سال ۱۹۹۵ دانشگاه سیهنا^{۱۵}، به او دکترای افتخاری دادند. در سال

- | | |
|---------------------|----------------------|
| 1. Hartford | 9. Alvin Lucier |
| 2. Lincoln | 10. Kaija Saariaho |
| 3. Cleveland | 11. Morton Subotnik |
| 4. Baltimore | 12. Peter Sculthorpe |
| 5. Connecticut | 13. Donald Erb |
| 6. Merkin | 14. Rockefeller |
| 7. Louis Andriessen | 15. Andy Warhol |
| 8. John Cage | 16. New England |

کنراد اشتایت زیلر

ترجمه: اله جعفری

کنراد اشتایت زیلر یکی از بنیانگذاران گروههای کلاساستر^{۱۶} و تانجرین دریم^{۱۷} کارش را با تکنوازی شروع کرد. آثار او در سال ۱۹۷۴ عجیب به نظر می‌رسیدند.

کلاسیک پرداخت. در سال ۱۹۶۷ اولین گروه موسیقی را در دبیرستان و با کمک همکلاش هارتوموت انکه^۱ و در پانزدهمین سالگرد تولد او در آپارتمان خانواده هارتوموت در برلین تشکیل داد. در فاصله سالهای ۱۹۶۸-۶۹، در بداهنوایی به مطالعات دقیقی دست زد و با آهنگساز پیشوی سوئدی، توماس کسلر^۲ آشنا شد.

در سال ۱۹۷۰، کلاوس شولز^۳ نیز به گروه پیوست. در سال ۱۹۷۱، پس از انتشار نخستین آلبوم گروه به نام "Join" آن، شولز گروه را ترک کرد تا به فعالیت تکنوایی خود ادامه دهد. در همین زمان رُزی موئل لِر^۴ به گروه پیوست و برای چندین سال همکاری خود را با گروه ادامه داد.

در سال ۱۹۷۶، اشراتیبل، اثر بسیار مبتکرانه "New age of earth" را منتشر کرد که یکی از عاطفی ترین سمفونیهای کهکشانی بود.

در سال ۱۹۷۷، اشراتیبل نیروی خود را صرف موسیقی پاپ کرد و آلبوم "Belle Aliance" را منتشر ساخت و تقریباً بازنیسته شد.

1. Manuel Gottsching
2. Hartmut Enke
3. Thomas Kessler

4. Klaus Schulze
5. Rosi Mueller

۱۹۹۱، جایزه موسیقی زیمنس^۵ را در منیخ و جایزه بنیاد ولف^۶ را در اورشلیم به دست آورد. در سال ۱۹۹۵، جایزه بی‌بنال و نیز رابرای کل کارهایش و در سال ۱۹۹۶، بالاترین جایزه موسیقی ژاپن را از انجمن هنر ژاپن دریافت کرد.

او غیر از آهنگسازی، رهبر ارکستر بی‌نظیری هم هست و بسیاری از ارکسترها بزرگ دنیا، از جمله ارکستر کلیولند^۷، ارکستر فیلامونیک نیویورک، ارکستر سمفونی بوسن^۸، ارکستر فیلادلفیا، ارکستر سمفونیک سلطنتی آمستردام، ارکستر سمفونیک لندن... را هبّری کرده است.

در حال حاضر او به عنوان آهنگسازی برجسته، استاد دانشگاه هاروارد است. او در فاصله سالهای تحصیلی ۹۴-۱۹۹۲، برگرسی شعر دانشگاه هاروارد که کرسی بسیار معتبری است، تکیه زد.

بریو از صدای انسان در بسیاری از آثارش بهره می‌برد و در این زمینه نیز استاد بی‌نظیری است.

- | | |
|-----------------|---------------------|
| 1. Oneillio | 10. Mills |
| 2. Imperia | 11. Oakland |
| 3. G.C.Paribeni | 12. Juilliard |
| 4. G.F.Cedini | 13. Siena |
| 5. Schoenberg | 14. Siemens |
| 6. Stravinsky | 15. Wolf Foundation |
| 7. Webern | 16. Cleveland |
| 8. Hindemith | 17. Boston |
| 9. Bartok | |

ادگار فروئز

ترجمه: آساهه استارکی

آهنگساز پیشگام آلمانی، پدیدآورنده گروه تانجرین درهم، با سبکی منحصر به فرد و بهنوعی شگفتانگیز، نزدیک به سه دهه بر موسیقی آلمان حکمرانی کرد و پایه‌های محکمی را برای موسیقی الکترونیک بنانهاد، به طوری که اغلب آهنگسازان کنونی موسیقی الکترونیک بهشت مدیون نبوغ و زحمات او هستند. ادگار فروئز (متولد پروس شرقی، ۱۹۴۴)، اولین آلبوم خود را به نام "Electronic Meditation" در سال ۱۹۷۰ منتشر ساخت و در طی سالهای بعد، آثار درجه یکی را در زمینه راک فضایی^۹ ارائه داد و در آنها از سازهای الکترونیک نظری سینتی‌سایزها و ملوترون^{۱۰}، در کنار سازهای سنتی همچون گیتار و هارمونیکا^{۱۱} استفاده کرد. موسیقی او برای فیلم ویلیام فریدکین^{۱۲} به نام "Sorcerer" (۱۹۷۷)، آغاز پروژه‌های عظیم موسیقی فیلم برای گروه بود که تا سالهای ۱۹۸۰ ادامه پیدا کرد. برخی از این فیلمها عبارت‌اند از: "Thief" (۱۹۸۱) و "The Keep". فیلم "Risky Business" هر دو به کارگردانی میشل مان^{۱۳}،

گروه ایمرالد

ترجمه: هاله آرامی

ایمرالد گروهی امریکایی است که در سبک هوی متال^{۱۴} و در فاصله سالهای ۸۰ فعالیت می‌کرد. آنها قبل از اینکه گروه از هم بپاشد، فقط یک آلبوم کوچک منتشر کردند. اعضای آن عبارت بودند از: لاری فیلیپس^{۱۵}، دیو اتوس^{۱۶}، "جو پال ما"^{۱۷} و کیل موروت^{۱۸}. آلبوم آنها "Armed For Battle" در سال ۱۹۸۶ و در سبک متال منتشر شد.

- | | |
|-------------------|----------------|
| 1. Heavy Metal | 4. Joe Palma |
| 2. Larry Phillips | 5. Kyle Morett |
| 3. Dave Enos | |

اشراتیبل

ترجمه: یاشار صابر

مانوئل گوت‌شینگ^{۱۹} در سپتامبر سال ۱۹۵۲ در برلین به دنیا آمد. او در فاصله سالهای ۶۶-۱۹۶۰ به آموزش گیتار

انگلستان از استقبال و اعتبار زیادی برخوردار شد. سیریل وردو با استفاده از کیبورد، توانست از موسیقی رمانیک فرانسه نوعی موسیقی تجربی خاص را پدید آورد. در سال ۱۹۷۶، دومین آلبوم او با نام "Forever Blowing Bubbles" منتشر شد که ترکیب عجیبی از موسیقی جاز، راک، کلاسیک و تحت تأثیر نقاشهای روان‌شناختی بود. اثر بعدی او، "Les Contes Singe Fou" که به نام "میمون دیوانه" شهرت پیدا کرد، با تقدیر از خواننده انگلیسی، یان بل لامی^۱ ساخته شد. در این اثر، بار دیگر نوای ناب پیانوی سیریل وردو با نوای ارتشی از سینتی سایزرها در همی آمیزد و اثری را پدید می‌آورد که از شاهکارهای پیشگام موسیقی راک است. در این اثر، مهارت و توانایی دیدیه لاک وود^۲ نوازنده ویلن، غیرقابل انکار است.

در سال ۱۹۷۸، کمپانی پولیدور^۳ چهارمین آلبوم از "Clearlight" را به عنوان "Clearlight" "Visions" پخش کرد. سیریل وردو برای نخستین بار، مهار تولید کار را به تمامی در دست گرفت و بازارهای "سی‌تار" و "طلبل" اثر بدیعی را آفرید. نوار بعدی او "Visions" نام داشت که در انگلستان و اروپا، اعتبار خارق العاده‌ای را برای وردو به همراه آورد و در تالارهای معتبر موسیقی از جمله تالار موسیقی المصیبا^۴ و کلیساي جامع سنت اتن^۵ اجرا شد.

پس از مرگ اندوه بار پسر چهار ساله‌اش، سیریل به مسافرت دور دنیا پرداخت و به هند رفت و به آموختن موسیقی، یوگا و مدیتیشن پرداخت. این دوره از زندگی، بر آثار و روحیه او تأثیر شگرفی گذاشت.

سیریل در سال ۱۹۸۰ به امریکا رفت و آلبومهای کمپانی فورچونا^۶ ضبط کرد. سپس هیجده ماه دیگر در هند زندگی و یوگا و موسیقی خود را تکمیل کرد. پس از بازگشت با پسر برنارد زولوتل^۷ آلبوم "Proph-hecy" را کمپانی فورچونا و آلبومهای "Moebius" و "Shambala"^۸ را با کمپانی ری کورد^۹ منتشر کرد. در سال ۱۹۸۲، همکاری خود را با جاش گلداستاین^{۱۰}، تهیه‌کننده، مهندس و مدیر برنامه، آغاز کرد. در سال ۱۹۸۳ آلبومهای "Flowers from heaven". "Piano for the flowers from heaven". "Piano for the son" و "Journey to tantraland" را منتشر کرد. در سال ۱۹۸۴ از این آلبومها برای خلق اپرای "Kundalini" بهره گرفت. در سال ۱۹۸۷ به فرانسه بازگشت و به آموزش موسیقی و آهنگسازی پرداخت. "Rhapsody for the Blue Planet" را در سال ۱۹۸۸ منتشر کرد.

(۱۹۸۳) و "Legend" (۱۹۸۶). در فاصله سالهای ۱۹۹۰، ادگار فروئز و گروهش مثل همیشه، به فعالیت خود ادامه دادند و هر سال پنج آلبوم جدید را به مجموعه آثار درخشن خود افزودند.

1. Space Rock
2. Mellotron
3. Harmonica

4. William Friedkin
5. Michael Mann

برنارد زولوتل

ترجمه: مهشید جهان تاب

آهنگساز موسیقی الکترونیک، برنارد زولوتل، در سال ۱۹۵۱ در فرانسه به دنیا آمد. نوجوان بود که به پیرهتری^{۱۱} و پیر شائف فر^{۱۲} معرفی شد، هر چند دریافت که نخستین آثار پینک فلوید^{۱۳} برای او الهام‌بخش ترند. ۱۷ ساله بود که خانه را به قصد سیاحت در جهان، ترک کرد. دوستی او با کلاوس شولز^{۱۴} در زندگی هنری او تأثیر عمیقی گذاشت. او برای سریالهای متعدد تلویزیونی و برخی از فیلمهای سینمایی، موسیقی ساخته است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

"Amazing Races" (۲۰۰۴) برای تلویزیون، "Hunter" (۲۰۰۳) برای تلویزیون، "Babylon" (۲۰۰۲) برای تلویزیون و بیش از صد اثر دیگر

1. Pierre Henry
2. Pierre Schaeffer

3. Pink Floyd
4. Klaus Schulz

سیریل مردو

ترجمه: حمید سماواتی

سیریل وردو، در سال ۱۹۴۹ در پاریس به دنیا آمد. در سال ۱۹۶۳ در سن ۱۴ سالگی وارد کنسرواتور معتبر فرانسه در پاریس شد و به آموختن آهنگسازی، هارمونی و پیانو پرداخت. از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ پیوسته جایزه نخست آهنگسازی را در میان دانشجویان فرانسه به دست می‌آورد. در سال ۱۹۶۸، در پی قیام دانشجویی، به خاطر فعالیتهای سیاسی از کنسرواتور اخراج شد و به پاریس برگشت تا گروه "Baby Love" را با همکاری نوازنده گیtar، کریستین بول^{۱۵} تشکیل بدهد. در سال ۱۹۷۵، موسسه ضبط نوار ویرژین^{۱۶}، نخستین اثر سیریل را به نام "Clearlight Symphony" منتشر کرد. این اثر به عنوان نخستین اثر پیشگام در موسیقی راک فرانسه، در

نام جنکینسون

ترجمه: نوشین محلوجیان

ابتكار محض! اگر قرار باشد عملکرد تام جنکینسون را در عرصه پهناور موسیقی الکترونیک توصیف کنیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه از این تعبیر برایش استفاده کنیم. او در اوج جوانی، یعنی سن بیست و یک سالگی، در زمینه کار با سازهای دیجیتالی، نبوغ حیرت‌انگیزی را از خود نشان داد. او در چلمس فورد، انگلستان به دنیا آمد. در نواختن با ساز الکترونیک از چنان سرعت حیرت‌آوری برخوردار بود که کسی تا آن زمان به پای او نرسیده بود و در موسیقی پاپ - راک سالهای ۱۹۷۰، بی‌رقیب بود. او در زمینه موسیقی رقص الکترونیک کار می‌کرد. در این موسیقی، فرمهای زیادی می‌گنجند، ولی مشهورترین آنها عبارت‌اند از برک، جانگل، هارداستپ، اسپید گاراز و امثال آنها. در هر یک از این فرمها، گوناگونیهای فراوانی دیده می‌شوند. جنکینسون بیشتر در موسیقی جانگل و برک، شهرت داشت که بیشترین تأثیر خود را از موسیقی جاز گرفته بود.

جنکینسون هنگامی که دوازده سال بیشتر نداشت، گیتارباز می‌نواخت. پدر او مجموعه صفحات جاز فراوانی را گردآوری کرده بود. او به این صفحات، بخصوص آثار آگوستوس پابلو، چارلی پارکر، مایلز دیویس و دیزی جیلیسپی "گوش می‌داد و در نواختن «درام» از آرت بلکی" و بادی ریچ "پیروی می‌کرد.

بعدها او به موسیقی پاپ - راک سالهای ۱۹۷۰ و هنرمندانی چون استنلی کلارک، ودر ریبورت و چیک کورتا، علاقه‌مند شد.

نکته جالب توجه این است که تام جنکینسون هیچ‌گاه قصد نداشت موسیقی الکترونیک بسازد و در اولین زندگی معتقد بود که این موسیقی، مزخرف است. او این‌نمی‌توانست موسیقی‌ای را تصور کند که در جایی نوشته نشده باشد، ولی پاترده ساله که بود، با این موسیقی آشنا شد و به‌کلی تغییر عقیده داد و متوجه شد که ارزش‌های فراوانی در این موسیقی نهفته شده‌اند که باید کشف شوند.

و به این ترتیب بود که تام جنکینسون جدید خلق شد. موسیقی الکترونیک، همه توجه او را به خود جلب کرد و دیدگاههای منفی او را تغییر داد. با ورود او به این عرصه جدید، هنرمندان بی‌شماری جذب این رشته شدند و تحت تأثیر سبک او قرار گرفتند. یکی از برجسته‌ترین استایل او که جنکینسون هنوز هم از او

- | | |
|--------------------|--------------------|
| 1. Christian Boule | 7. Saint Etienne |
| 2. Virgin | 8. Fortuna |
| 3. Ian Bellamy | 9. Bernard Xolotl |
| 4. Didier Lockwood | 10. Record |
| 5. Polydor | 11. Josh Goldstein |
| 6. Olympia | |

ایسانو تومیتا

ترجمه: مریم جهان ناب

ایسانو تومیتا در سال ۱۹۳۲ در توکیو به دنیا آمد. سه ساله بود که همراه با پدرش به چین رفت و تا هشت سالگی در پکن زندگی کرد. پس از اتمام دبیرستان، به دانشگاه توکیو رفت و در رشته تاریخ هنر تحصیل کرد، اما در طول تحصیل، علاقه سرشار او به موسیقی و الکترونیک باعث شد که با کمک معلمان خصوصی به آموختن آهنگسازی بپردازد.

نخستین اثر او "آسیابهای بادی" از سوی فدراسیون ژاپنی سازمانهای کورال به عنوان بهترین ترانه انتخاب شد و جایزه کر را دریافت کرد. این موفقیت باعث شد که ساخت موسیقی برای تیم المپیک ژاپن را به او واگذار کنند.

از آن زمان به بعد، تومیتا، آثار بی‌شماری را برای فیلمهای سینمایی و سریالهای تلویزیونی ساخته است. یکی از پژوهش‌های تلویزیونی مهمی که موسیقی آن به "White Lion" عهدde تومیتا گذاشته شد، مجموعه "NBC آن را سفارش داد.

بعدها روی این اثر اشعاری گذاشته و توسط ارکستر فیلارمونیک ژاپن اجرا شد و در سال ۱۹۶۷ در جشنواره هنری ژاپن، از سوی دولت، مدال لیاقت را دریافت کرد. در سال ۱۹۷۳، با استفاده از سینتی سایزرهاي متعدد، کار بدیعی را به نام "Plasma Music" ساخت. تمام اعضای گروهی که این کار را به سامان رسانند. در رشته‌های آهنگسازی، تنظیم، اجرا، ضبط و میکس، از تخصصهای بالایی برخوردار بودند. اولین اثر منتشر شده تومیتا در امریکا، "Snowflakes are Dancing" نام داشت که در آن آثار کلود دبوسی را با سینتی سایزر اجرا کرد. این اثر در آوریل ۱۹۷۴ منتشر شد و بلافاصله مقام پرفروش‌ترین آلبوم پاپ را به خود اختصاص داد. پس از این موفقیت شگرف بود که کمپانی RCA برای انتشار آثارش با او قرارداد بست. این آلبوم همچنین از سوی انجمن ملی، بازار گانان آلبومهای موسیقی، NARM، به عنوان بهترین آلبوم کلاسیک سال انتخاب شد.

1. Claude Debussy



به عنوان استاد مسلم موسیقی الکترونیک یاد می‌کند، ریچارد جیمز^{۱۰} است که آثار او، به خصوص بر سبک جانگل و در نواختن «درام» تأثیر عمده‌ای داشته است. یکی دیگر از کسانی که بر جنکینسون تأثیر فراوان گذاشته است، لوک ویبرت^{۱۱} است که در زمینه موسیقی رقص از شهرت بسیاری برخوردار بود. او و ریچارد جیمز، موسیقی جانگل را، یکنواخت و کسل‌کننده می‌دانستند و تغییرات عمده‌ای را در آن به وجود آوردن.

یکی دیگر از نکاتی که به سبک جنکینسون ویژگی خاصی می‌دهد، استفاده از سازهای آکوستیک است. او همیشه گیتار باس را در اولویت قرار داده و در نوارها و اجراهای زنده، از آن استفاده می‌کند. او در مصاحبه‌ای گفته است: «گیتار باس قدرت عجیبی دارد و شبیه به هیچ ساز دیگری نیست. «درام» حتی لحظه‌ای نمی‌تواند مثل باس عمل کند. باس هم ملودی دارد و هم ریتم...» در هنگام استفاده از سازهای آکوستیک، او دائمًا ترانه‌های خود را تغییر می‌داد و موسیقی‌ای را می‌ساخت که با اثر قبلی او تفاوت داشت. در حال حاضر بیشترین نگرانی او از خصوصت بین نوازنده‌گان سازهای سنتی و سازهای الکترونیک سرچشمه می‌گیرد، در حالی که به نظر او، انطباق این دو نوع ساز ممکن است و نتایج پرباری هم خواهد داشت. انرژی و صدایی که از آثار او احساس می‌شود، نشان می‌دهد که او نه تنها از لحاظ فنی، نوازنده نابغه‌ای است، بلکه موسیقیدان و ترانه‌سرای خوبی هم است.

او آثارش را با کمک یک ماشین «درام» DR-660، یک سمپلر^{۱۲} آکائی S-950، یک دستگاه ضبط شامل ۸ ریل^{۱۳}، گیتار باس و سایر سازهای همراه با سینتی‌سایزرهای مختلف، خلق می‌کند. او از ماشین «درام» به عنوان سکوئن سر و پر کننده فواصل استفاده می‌کند. موسیقی الکترونیک بی تردید از نبوغ قام جنکینسون بهره‌ها برده است. تجربه گرایی جسورانه او، عرصه کشف‌نشده و شگفت‌آوری را به روی موسیقیدان‌های الکترونیک گشود.

- | | |
|-----------------------|--------------------|
| 1. Tom Jenkinson | 11. Art Blakey |
| 2. Chelmsford | 12. Buddy Rich |
| 3. Breakbeat | 13. Stanley Clark |
| 4. Jungle | 14. Weather Report |
| 5. Hardstep | 15. Chick Corea |
| 6. Speed garage | 16. Richard James |
| 7. Agustus pablo | 17. Luk Vibert |
| 8. Charlie parker | 18. Sampler |
| 9. Miles Davis | 19. Reel |
| 10. Dizzile Gillespie | |

Ferruccio Busoni

فرارچ چیو بوسونی

عماد توحیدی

و بررسی جدی قرار داد. او که پیرو مکتب نئوکلاسیک بود، از تشکیل گروههای موسیقی کوچک حمایت و از عاطفه‌گرایی افراطی در موسیقی اجتناب می‌کرد. بوسونی احساس می‌کرد دست و پای موسیقی را بسته‌اند و پیوسته به دنبال ابزاری می‌گشت که به نوعی این محدودیتها را از بین ببرد. در آن دوران سازی به نام "Dy-namo Phone" که عموماً به نام "Telharmonium" شناخته می‌شد و در واقع از نیاکان اولیه سیستم سایزرهای امروزی است، نظر بوسونی را به خود جلب کرد. او به مخترع این ساز، تادئوس کاهیل^۱ در توصیف سازش گفت، «موسیقی نو برای جهانی کهنه». او از این کشف به قدری هیجان‌زده شد که در مصاحبه‌ای گفت: «به گمان من در این حرکت عظیم موسیقایی، ماشین بهزودی بزرگ‌ترین نقش را بر عهده می‌گیرد».

بوسونی آهنگساز متعادلی بود و به شدت به موتزارت علاقه داشت. او در عین حال که تمامی جزئیات موسیقی کلاسیک را می‌شناخت و اجرا می‌کرد، لحظه‌ای از پیگیری سازهای نوین الکترونیک غافل نبود و پیوسته شاگردان خود را به گستردگی کردن فضاهای موسیقایی تشویق می‌کرد. او از دریچه دنیای موسیقی قرن بیستم، جهان آینده موسیقی را به خوبی می‌دید و درک می‌کرد و به کسانی که در مقابل این حرکت ایستادگی می‌کردند، می‌گفت:

«دارید خودتان را از پدیده زیبایی محروم می‌کنید.»

- 1. Empoli
- 2. Rachmaninoff
- 3. Paderewski
- 4. Debussy

- 5. Gabriel Faure
- 6. Dr. Faust
- 7. Sibelius
- 8. Thaddeus Cahill

«ناگهان روزی دریافتیم که سازهای متداول ما، جلوی جریان سیال موسیقی را می‌گیرند. دامنه موسیقایی آنها، گویی ساز و همپای آن، آهنگساز را با زنجیرهای بسته بودند.»

«موسیقی آزاد آفریده شده است و به دست آوردن آزادی، سرنوشت محتمم آن است.»

فرارچ چیو بوسونی، در سال ۱۸۶۶ در ایمپولی^۲ ایتالیا به دنیا آمد. در کودکی به عنوان نوازنده نابغه پیانو و در جوانی به عنوان پیرو مکتب موسیقی لیست و استاد نواختن آثار راخمانینف^۳ و پادروسکی^۴ به شهرت رسید. او آهنگساز، معلم، تنظیم‌کننده و فیلسوف موسیقی بود. همچنین با رهبری درخشن خود، آثار دبوسی^۵، گابریل فانور^۶ و سیبلیوس^۷ را به شایستگی ارائه و معرفی کرد. از سال ۱۸۹۴ در برلین زندگی کرد و در سال ۱۹۲۴ در حالی که استاد آهنگسازی آکادمی هنرهای برلین بود، در همان شهر درگذشت.

اپرای دکتر فاوست^۸ او یکی از شاهکارهای مسلم دوران معاصر است. او مقاله‌های بی‌نظیری را نیز در زمینه موسیقی نوشته است که مشهورترین آنها «طرح استیک نوین موسیقی» (۱۹۰۷) است.

بوسونی در تمامی زمینه‌های خلاقانه هنر، قهرمانی به تمام معنی بود. او در خانه خود را در برلین به روی همه هنرمندان و آهنگسازان جوان دنیا گشود.

در زمینه موسیقی، او که نسبت به محدودیتهای گامهای مینور و مأزور، اعتراض داشت، عرضه‌های نوینی را بدید آورد و حرکتی را به نام ضد - رومانتیک ایجاد کرد و آثار واگنر را که به شدت از آنها نفرت داشت، مورد نقد

الكتوریک الگاروارز

Edgard Varese

ترجمه: بهروز شاهقلی



ادوارد(ادگار) وارز، پدر موسیقی
الکترونیک در مصحابهای در سال
۱۹۱۷ گفته است:

«من عاشق سازهایی هستم که از
ذهن و خیال من تبعیت می‌کنند.
این سازها می‌توانند دنیا بی نو را با
صدای غیرمنتظره، در اختیار من
قرار دهند، صدای ای که با درونی ترین ریتمهای پر تلاطم
روح من همنوایی داشته باشند.»

ادوارد وارز در سال ۱۸۸۳ در پاریس به دنیا آمد و
در سال ۱۹۰۵ در نیویورک درگشت. او دری را که
بوسونی^۱ عمری به آن خیره مانده بود، گشود و از آن
عبور کرد. متأسفانه وارز، بخش اعظم عمرش را منتظر
ماند تا تکنولوژی بتواند خود را با ذهن او هماهنگ کند.
وارز از جمله کسانی است که زودتر از دوران خود به دنیا
می‌آیند. البته اگر دیرتر به دنیا می‌آمد، استادش، بوسونی
نمی‌توانست او را برای نقشی که قرار بود در دنیا ایnde
به عهده بگیرد، آماده کند.

وارز ابتداء عنوان یک مهندس، ریاضیات و علوم خواند و
یادداشتاهای داوینچی را دقیقاً مطالعه کرد. سپس به سوی
موسیقی کشیده شد تا اصول علمی آموخته شده خود را
در زمینه علم صوت به کار گیرد. او در اسکولائاتوریوم
و کنسرواتوار پاریس، دانشجوی نازارام و غمگینی بود.
دوستان او همگی از مشاهیر دوران خود بودند: ساتی^۲،
روم رولان^۳ (نویسندهای که در خلق شاهکارش ژان
کریستف^۴ از وارز الهام گرفت)، روس سولو^۵، ویل لـ
لوبوس^۶، دوچامپ^۷، کاول^۸، لوثینیگ^۹، لینین^{۱۰}،
تروتسکی^{۱۱}، پیکاسو^{۱۲} و سیاری دیگر.

هنگامی که در کنسرواتوار پاریس بود، شروع به زیر و
رو کردن همه مبانی کرد و گفت:
«نمی خواهم تسلیم صدای ای شوم که تا کنون
شنیده‌ام.»

الهام‌دهندگان او بوسونی و دبوسی^{۱۳} بودند. بوسونی او را
تشویق کرد که آهنگساز شود و به او گفت:

«این قوانین نیستند که هنر را می‌سازند و تو حق داری
آنچه می‌خواهی و آن گونه که می‌خواهی بسازی.»
دبوسی همچنین ورز را تشویق کرد که برای الهام، به
موسیقیهای غیرغربی روی بیاورد. ورز پس از خدمت در
ارتش فرانسه در طول جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۱۵
و در سن ۳۲ دلار پول داشت. او در دهکده گرینویچ^{۱۴} نیویورک
اقامت کرد و عاشق صدای شهر شد و هیاهو و سر و
صدای شهر نیویورک الهام‌بخش او شدند. او در آمریکا با
کسانی آشنا شد که هنوز کارشان رونق پیدا نکرده بود،
اما در زمینه موسیقی پیشتر بودند و اعتقاد داشتند که:
«موسیقی آمریکا باید با زبان خودش صحبت کند، نه
اینکه تقلید کودکانه‌ای از موسیقی اروپا باشد.»

او با انجام کارهای عجیب و غریب موسیقایی و رهبری
کر و ارکستر، برای خود سرمایه‌ای را دست و پا کرد و
در سال ۱۹۱۹، ارکستر سمفونی جدیدی را بنا نهاد که
 فقط قطعات موسیقی مدرن را اجرا می‌کرد. بعدها با
 همکاری کارلوس سالزو^{۱۵}، صنف آهنگسازان بین‌المللی
 را بنا نهاد و آمریکایها را با دبوسی، استراوینسکی^{۱۶}،
 بارتوك^{۱۷} و شوئنبرگ^{۱۸} آشنا کرد. او در اطلاعیه معرفی
 صنف آهنگسازان بین‌المللی نوشت:

«صنف آهنگسازان بین‌المللی، هیچ «ایسمی» را
 نمی‌پذیرد، منکر هر نوع مکتب موسیقی است و فقط به
 خلاقیت و ابتکار فردی اعتبار می‌دهد.»

موسیقی وارز، دارای سه سبک مجزاست. کارهای
 قبل از سال ۱۹۱۴ او شامل اپرای ناتمام و قطعاتی برای
 ارکستر هستند که هیچ یک باقی نمانده‌اند.

در فاصله سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۳۶، ورز در زمینه‌ای
 کار کرد که به کلی از تاثیر موسیقی اروپایی رها بود. در
 سال ۱۹۲۳، اثر او به نام "Hyperprism"^{۱۹} در میان
 تماشاگران، آشوب به راه انداخت. نیمی از تماشاگران از
 کوره در رفتند و بقیه ماندند و از او خواستند اثرش را
 دوباره اجرا کند. در مجموع، او ۹ اثر را برای ارکستر و
 گروههای کوچک تدوین کرد.

وارز در حین جستجو برای کشف صدای تازه، به
 سازهای جدیدی دست پیدا کرد. او در "Hyperprism"^{۲۰}
 از زنگهای سورتمه، سنج، غفعه، مثلثی، پتک و سندان،
 بلوکهای چینی، تام-تام، طبلهای هندی، دایره زنگی و
 نعره شیر استفاده کرد. در این اثر، دو نوازنده سازهای
 کوبه‌ای، تکنوازی می‌کردند. آهنگساز بزرگ، لئوپولد
 استوکوسکی^{۲۱} در تالار کارنگی^{۲۲} فیلادلفیا، این اثر را
 اجرا کرد. او تنها رهبر ارکستر نام‌آوری است که از وارز
 حمایت کرد.

محبوب‌ترین اثر وارز در این دوران "Ionisation"^{۲۳}، در
 فاصله سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ ساخته شد که در آن از

بدایم موسیقی

تحقیقات را در زمینه موسیقی الکترونیک ادامه بدهد. او را به این بهانه که بودجه ندارند، پس راندند. وارز دوباره در سال ۱۹۳۲ به بل پیشنهاد کرد که به ازای استفاده از استودیو، برایشان کار کند. او تصمیم داشت به قیمت قربانی کردن حرفه خود به عنوان آهنگساز، آرزوهای بلندش را برای یافتن صدای ای جدید دنبال کند، ولی باز هم کسی به او اجازه استفاده از آزمایشگاهها را نداد. (چند سال بعد، آزمایشگاههای بل تبدیل به مرکز تحقیقات در زمینه سینتی سایزرهای کامپیوتری شد)

وارز در سال ۱۹۳۹، در سخنرانی خود در دانشگاه کالیفرنیای جنوبی گفت:

«هنگامی که به موسیقی گوش می‌دهید، آیا لحظاتی وجود ندارند که تشخیص می‌دهید دارد به یک پدیده فیزیکی گوش می‌دهید؟ آیا تا هوایی که بین ساز و گوش شنونده وجود دارد، مترعش نشود، موسیقی معنی پیدا می‌کند؟ آهنگساز برای اینکه بداند حاصل کارش چیست، باید مکانیسم سازها را بشناسد و درباره آکوستیک چیزهای زیادی را بداند. من برای بیان صدای ای که در نظر دارم، به ازار کاملاً جدیدی نیاز دارم؛ به یک ماشین تولیدکننده صدا، نه تکرارکننده صدای قبلی.»

دنیای موسیقی به وارز پشت گردید

پس از جنگ جهانی دوم، آهنگسازان فرانسوی و آلمانی، تکنولوژیهای جدیدی را که اغلب در طول جنگ اختراع شده بودند، در موسیقی به کار گرفتند و ناگهان همه به یاد وارز افتادند و او تبدیل به یک آدم مشهور شد از او خواستند که در دانشگاههای ییل^{۲۶}، پرینس تون، کلمبیا و سایر دانشگاهها سخنرانی کند. از او دعوت شد که در مرکز تحقیقاتی رادیو تلویزیون فرانسه، یعنی در همان استودیویی که شائف فر^{۲۷} درباره موسیقی کلکریت^{۲۸} (محض) تحقیق می‌کرد، به کار بپردازد.

ناگهان وارز ۲۱ ساله مثل بدرا که مدت‌ها در دل خاک پنهان مانده و منتظر قطره آبی باشد، رشد کرد و سر برآورد. تکنولوژی، سرانجام به وارز روی خوش نشان داد و او در محیط جدید به شدت شروع به فعالیت کرد. بسیاری حتی از یاد برده بودند که او هنوز زنده است.

او در این دوران، اثری را به نام "Deserts"^{۲۹} نوشت که اثری ترساننده، شاهکار و منحصر به فرد درباره عصر اتم بود. شنوندگان، در ابتدای کار، طبق معمول نسبت به کار او موضع خصمانه گرفتند و یک متقد موسیقی گفت که باید وارز را روی صندلی الکترونیکی نشاند و اعدام کردا

با این همه، "Deserts" اولین اثر مهم در موسیقی الکترونیک بود و همه، وارز را به عنوان عنصر مهمی در موسیقی به رسمیت شناختند. یکی از روزنامه‌نگاران، او را چنین توصیف کرد: «گلوله توپی که صحته نبرد را ز قید

آزیر به عنوان ساز استفاده شده است. در این اثر، ۳۷ ساز کوبهای و دو آزیر، با هم می‌نواختند و به قول منتقدی، «انگار کسی به فک آدم می‌کوبد!»

در این دوران بود که وارز، اشتیاق زیادی برای پیدا کردن صدای ای جدید از خود نشان داد: «ما آهنگسازها در موسیقی ناجاریم از سازهای استفاده کنیم که دو قرن است که تغییر نکرده‌اند.»

اشتیاق او سبب شد که آهنگسازی را کنار بگذارد و به دنبال سازهایی باشد که، «او را از چنگ صوت رها کنند!» او می‌گوید:

«ماده خام موسیقی، صداست. انگار حتی آهنگسازها هم این موضوع را فراموش کرده‌اند! در عصر حاضر که علم می‌خواهد آهنگسازان را به ابزاری مجهز کند که کارهایی را انجام بدهند که بتههون آرزویش را داشت و برلیوز حسرتش رامی‌کشید، آنها سفت و سخت به سنتهایی چسبیده‌اند که جز محدود کردن عرصه موسیقی، فایده‌ای ندارند. موسیقیدان امروزی هم دلش می‌خواهد بتواند با حداقل تلاش، بیشترین نتیجه را بگیرد، ولی وقتی صدای را می‌شنود که شبیه به ویولن، سازهای بادی یا سازهای کوبهای نیست، حتی به ذهنش هم خطوط نمی‌کند که آنها را در خدمت موسیقی خود بگیرد. علم می‌تواند هر چیزی را که آهنگسازان به آنها نیاز دارند، در اختیارشان قرار دهد. به اعتقاد من با استفاده از علم، می‌توان از هر اجبار فلچ کننده‌ای رها شد و حتی تقسیمات اکتاوهای هم در موسیقی به هم ریخت و در نتیجه، به همه شکلها و قالبهای مطلوب موسیقابی دست پیدا کرد.»

وارز در طلب برای تکنولوژی‌ای فریاد می‌زد که ما امروز به رایگان در اختیار داریم.

وارز پس از آنکه دست کم در محافل آوانگارد، اعتباری برای خود دست و پا کرد، از صحنه موسیقی کنار رفت. او بسیار حساس و بدخلق شده بود و دائمًا دست به خود کشی می‌زد. دوازده سال گذشت و او در این فاصله هیچ اثری خلق نکرد و هیچ کس از تواناییهای او به عنوان محقق در زمینه موسیقی آکوستیک بهره نبرد. در این سالها می‌نویسد:

«من ناتوان و معلول شده‌ام، زیرا سازهای الکترونیکی کافی در اختیار ندارم تا موسیقی‌ای را که در ذهن دارم، پیاده کنم.»

فرناند کوئیل لیت^{۳۰} درباره او نوشت: «او نمی‌توانست ذهن خود را از صدای ای در عین حال راه و وسیله‌ای هم برای خلق آن صدای ای در اختیار نداشت.»

در سال ۱۹۲۷، وارز با مدیر مرکز تحقیقات آکوستیک آزمایشگاههای تلفن بل^{۳۱}، هاروی فلچر^{۳۲} تماس گرفت و تلاش کرد استودیویی را فراهم کند که بتواند در آنجا

صوت آزاد کردا!»

سرانجام، وارز دنیاپی را پیدا کرد که یک عمر آزو داشت در آن زندگی کند و دیدگاههای او درباره موسیقی و صوت، در آن دنبال شوند. حالا دیگر او ابزاری را در دست داشت که می‌توانست به وسیله آنها صدای مورد نظر خود را کشف کند. مرکز موسیقی الکترونیک کلمبیا - پرینس تون از او برای همکاری دعوت کرد. آکادمی سلطنتی سوئی، او را به عضویت پذیرفت، جواز متعددی را برد و به زاین رفت تا درباره موسیقی الکترونیک سخنرانی کند. سپس مهمترین مرحله زندگی او فرا رسید. لوکور بوزیه^{۲۹}، معمار مشهور فرانسوی، از سوی دعوت شد تا عمارت کلاه فرنگی فیلیپس

برگزار شود، بستارهای بزرگ و معمم گرفت این عمارت را تبدیل به یک رویداد بزرگ و شگفت‌گران کند. او وارز را که ۲۵ سال پیش دیده بود به یاد آورد و به او اشاره کرد که این رویداد، موسیقی بسازد. شرکت فیلیپس به هم‌اعتزاض کرد و از لوکور بوزیه خواست که کهیلان^{۳۰} یا والتون^{۳۱} را اوارز یا هیچ

کس او به این ترتیب بود که شرکت فیلیپس می‌شتمشد. لوکور بوزیه به حد هم قانع نشد و شرکت فیلیپس را وادار کرد که خوبی به وارز بپردازد. سپس با وارز تماس گرفت و گفت که نام اثر "Poem Electronique" خواهد بود و اوارز که آزاد است که هر چیزی را که دلش می‌خواهد از سازهای مختلف بسازد. اوارز، این هدیه‌ای آسمانی بود و از پیشنهاد کرد که از آزمایشگاه تحقیقات از تجربه‌های مالی به هیچ وجه کاملاً مستقل باشد و هر چیزی از آن استفاده ننماید. در این اتفاق ریخت.

لوکور بوزیه از هند برگشت و شرکت فیلیپس کوچک و فرماد که هیچ یک از کارمندان شرکت فیلیپس را نداشته باشد.

این اثر ۴۸ دقیقه و همراه با سی دی کار و بود و از این‌جا شروع شد که در همه نقاط عمارت داده تریکی نصب شد. اینجا شنیده شود. وارز هشت ماه تمام روی این اثر کار کرد. سرانجام شرکت فیلیپس پس از صرف ۲۶۰۰۰ فرانک، خواست که اثر او را بشنود. پس از آنکه وارز، اینجا از دیگر دیگر لوکور بوزیه به نجات وارز شافت، می‌گفتند که این قطمه باید پخش شود. شرکت خواست که در مورد اثر خود به آنها حق از گفت:

«حق الحصاری؟ در موسیقی این حیزی است که هر گز در موقود من اتفاق نمی‌افتد!»

شرکت فیلیپس دیواره تسلیم شد.

ساختمانی که لوکور بوزیه ماخته شده یک صد دریایی به صخره‌ای نقره‌ای بود. در داخل غمارت، مدلی از یک آنم از سقف آغوان بود. دیوارها همچو بودند و فقط ۴۲۵ بلندگو در اطراف دیواره می‌شدند. در آفاق پذیرایی، نور ضعیف همراه با موسیقی هراس انگیزی که از هر سو شیده می‌شد، جمعیت را به حشت می‌انداخت. نور لامپها دائمًا تغییر می‌کرد و فضای وهم‌السودی را پدید می‌آورد. سر و صدای جفجهه‌ها، سوته‌های رعد و برق و زمزمه آدمها همه جا پخش می‌شد. از دیوارها صدای آدمها بیرون می‌آمد!

نمایشگاه، یک موقوفیت عظیم بین‌المللی از کار در آمد! همچوینه تن برای اولین بار اثرباری از وارز را شنیدند. نسل جدیدی از آهنگسازها به آنجا آمده بودند تا در مقابل نیوی و از سرخ گشند. وارز سوانح از راه رسیده بود! این اثر گویی ترانه مرگی وارز بود. کمی پس از پیروزی نهایشگاه بروکسل، وارز مبتلا به برونشیت شد و به یکی از دوستانش نوشت:

«برای پنج پروژه بزرگ فکرهایی دارم، برای آخرین بار باید تلاش را بکنم.»

۱۹۶۵ نوامبر ۱۹۶۵ در گذشت.

۱۳۰۰ پا^{۳۲}، چارلی پارکر^{۳۳}، بیتل‌ها و سایرین، از وارز می‌گذردند. وارز، اینکه الهام‌بخش و بت‌سلهای گوناگون را بخواهد. اینان و موسیقیدانها شده بود. او پدر موسیقی بود و از این‌جا احاطه تأثیر، هماز و دبوسی، موتزارت و... در کلاسهای موسیقی، کمتر کسی حالت‌های خوش از این‌جا در عین سرانجام داشت. این‌جا در عین

تعجب نداشت که این‌جا از این‌جا در عین

۱۹۶۷
1. Cantorium
2. Cantabile
3. Romain Rolland
4. Jean-Christophe
5. Rossolo
6. Villa-Lobos
7. Buchamp
8. Bell
9. Goll
10. Le Corbusier
11. Concrete music
12. Copland
13. Milton
14. Steven
15. Charlie Parker

«از سال ۱۹۵۴، آهنگسازان موسیقی الکترونیک توجه خود را به ترکیب صدای کترونیکی و سازهای سنتی معطوف کردند. این پیاط، به همراه مهارت‌های جذی آهنگسازی، ایجاد می‌کند که آهنگسازان، غیر از تسلط بر ظرائف موسیقی سنتی، به طور کلی از حساسیتهای ویژه‌ای هم برای حل مشکلات آهنگسازی، برخوردار باشند.»
والتر (وندی) کارلوس

والتر(وندی) کارلوس



بین سازهای زنده و سازهای نواری (الکترونیک) می‌توان همکاریهای بی‌شماری را برقرار کرد. این همکاریها، آثار خود را در سطوح ساختاری از جمله: گام، ریتم و غیره، نشان می‌دهند. اینک، سازهای الکترونیک و سازهای سنتی چنان در هم آمیخته‌اند که استقلال آنها از یکدیگر، تقریباً معنی است.

غیر از آهنگسازانی چون بادینگز^۱ و بربو^۲. تا قبل از سال ۱۹۸۰، آهنگسازان ترجیح می‌دادند از ارکستر یا گروههای بزرگ سازی در ترکیب با سازهای الکترونیک استفاده کنند، از سازهای سنتی می‌شد برای ایجاد صدایی شبیه به صدای های الکترونیک یا صدای کانکریت^۳ (محض) استفاده کرد و به همین دلیل تا سالهای ۱۹۶۰ که اشتوكها وزن^۴ از شیوه نوینی برای نواختن سازها استفاده کرد، تغییری در وضعیت به وجود نیامد. پس از پیدایش ساز کنتاکت^۵، بسیاری از آهنگسازان موسیقی‌ای الکترونیک، گروههای سازی کوچک و حتی تکنوازانی را که برخی از آنها در کار آهنگسازی، پیرو مکتب نوکلاسیسم بودند، به کار گرفتند. از جمله این آهنگسازان، می‌توان به اوتو لوئینینگ^۶، چارلز ویتنبرگ^۷ و والتر (وندی) کارلوس موسیقی‌ای کلاسیک را با ابزار موسیقی‌ای اجرا کردن.

والتر (وندی) کارلوس از همان ابتدای کار، نه در آهنگسازی و نه در نواختن سینتی سایزر، از شیوه موسیقی سنتی پیروی نکرد. کارلوس در پاوتوكت^۸ رودآلند به دنیا آمد و از شش سالگی آموزش پیانو را آغاز کرد. او در هنرهای گرافیک و علوم هم استعداد فراوانی داشت و به خاطر ساخت یک کامپیوتر خانگی، بورس تحصیلی نمایشگاه علوم وستینگهاوس^۹ را به دست آورد. او پس از آنکه در موسیقی و فیزیک از دانشگاه براون^{۱۰} فارغ‌التحصیل شد، به دانشگاه کلمبیا رفت و در آنجا تحت نظر آهنگسازان پیشروئی چون اوتو لوئینینگ و ولادیمیر اوس‌ساقفسکی^{۱۱}. در اولین مرکز موسیقی‌ای الکترونیک امریکا، به تحصیل موسیقی‌ای کلاسیک پرداخت. پس از فارغ‌التحصیل شدن، به عنوان مهندس ضبط صدا شروع به کار کرد و با رایت موگ^{۱۲}. آشنا شد و بعدها یکی از اولین مشتریهای سازهای او بود.

در سال ۱۹۶۸، با استفاده از سینتی سایزر موگ قطعاتی از بسخ را نواخت و باعث شد که همه موسیقیدانهای

جهان، این سینتی سایزر را بشناسند. او به خاطر این ابداع اعجاب‌آورش، سه بار جایزه موسیقی "گرمی" را ریود. او نخستین کسی بود که برای خواندن با سینتی سایزر، از وکودر^{۱۳} استفاده کرد و آن را در فیلم «ساعت پرتفالی» استنلی کوبیریک^{۱۴} به کار برد. این اتفاق مدت‌ها قبل از ساخته شدن فیلم‌های سینمایی درباره جنگهای فضایی که در آنها از موسیقی الکترونیکی استفاده فراوانی می‌شد، روی داد.

کارلوس پس از عرضه چندین آلبوم در زمینه موسیقی کلاسیک، موسیقی دله‌های آوری را برای فیلم شاینینگ^{۱۵} کوبیریک و همچنین برای فیلم سال ۱۹۸۲ کمپانی دیسی^{۱۶} به نام ترون^{۱۷} ساخت که از اعتبار فراوانی برخودار شدند. در این آثار، او ارکستر سمفونیک را با سینتی سایزرهای دیجیتال و آنالوگ در هم آمیخت. اینک کارلوس به عنوان پیشگامی بزرگ در موسیقی الکترونیک، با افراد حرفه‌ای معتبری، در پروژه‌های فراوانی کار می‌کرد. در طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ کارلوس با همکاری دوستش لاری فاوست^{۱۸} که نوازنده سینتی سایزر بود، در موسیقی فیلم، تحول عظیمی را ایجاد کرد. تکنیک اختراعی او به سرعت در موسیقی فیلمها و بازسازی آثار قدیمی به کار گرفته شد.

کارلوس در دانشگاه نیویورک، در انجمان مهندسی سمعی بصری، کنفرانس‌های متعددی را برگزار کرد. او در سایر نقاط آمریکا هم به ایجاد سخنرانی پرداخت. او عضو انجمان مهندسی سمعی بصری، انجمان مهندسان سینما و تلویزیون و آکادمی علوم و هنرهای است.

کارلوس در کارهای اولیه خود از تمهای موسیقی کلاسیک استفاده می‌کرد. او در این باره می‌گوید: «قصد داشتم با استفاده از ساز الکترونیک، بیشترین آزادی را برای نوازنده فراهم آورم. نتهای حاصل از این سازها، حتی‌الامکان به نتهای طبیعی شbahat دارند و ترکیب موسیقی و تکنولوژی، هنگامی که آهنگساز، موسیقی و تکنیک را درست می‌شناسد، امکانات فراوانی را در اختیار او قرار می‌دهد.»

در آثار اولیه کارلوس، رویکرد نوکلاسیک بخوبی آشکار است. حفظ عناصر سنتی همچون ملودی، هارمونی و ساختار رسمی از پیش تعیین شده، آهنگسازانی را که به طور سنتی آموزش دیده بودند، قادر ساخت که راحت‌تر تکنیکهای آهنگسازی خود را به ابزار الکترونیک مجهز سازند.